

تحلیلی بر نقش سیاست‌گذاری مجازی بر تاب‌آوری در فضاهای شهری تهران

عباس محمدیان

دانشجوی دکتری گروه علوم ارتباطات، پردیس علوم تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران و گروه علوم ارتباطات، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

محمد رضا قاندي*

گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. نویسنده مسئول (ghaedi1352@gmail.com)

علیرضا بیابان‌نورد سروسناني

گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، ایران.

چکیده

شبکه‌های اجتماعی مجازی در سال‌های اخیر تبدیل به یکی از رسانه‌های ارتباطی پرطرفدار در ایران به‌ویژه در میان نسل جوان شده است. این مسئله پیامدهای زیادی را برای جامعه ایرانی در سطوح مختلف به دنبال داشته است. پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان بود. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش نظریه زمینه‌ای (رویکرد سیستماتیک) بود. مشارکت‌کنندگان پژوهش افراد متخصص در حوزه رسانه‌های اجتماعی نوین و تاب‌آوری اجتماعی بودند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند با ۱۲ نفر از آنان مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که شرایط علی تأثیرگذار بر تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان شامل دو مقوله مصرف مجازی و نمایش مجازی بود. همچنین، شرایط مداخله‌گر تاب‌آوری اجتماعی عبارت بودند از دینداری، سرمایه اجتماعی و منابع اقتصادی. ناکارآمدی سیاسی-اقتصادی و سیاست‌گذاری مجازی دو عامل زمینه‌ای بودند که بر تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان تأثیر داشتند. متخصصانی که با آنها مصاحبه انجام شد، چهار راهبرد برای تقویت تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان با تأکید بر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی ارائه دادند که عبارت بودند از شبکه‌سازی مجازی، توسعه اقتصادی-سیاسی، توسعه فرهنگی-اجتماعی و توسعه نظام تولید محتوا. تحقق این راهبردها دو پیامد مثبت خواهند داشت: سازگاری اجتماعی و امید به آینده در دانشجویان. در نهایت، «امیدواری و تاب‌آوری شکننده در فضای شبکه‌ای» به عنوان مقوله مرکزی این فرآیند به دست آمد.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی مجازی، تاب‌آوری اجتماعی، امید به آینده، فضای مجازی، سیاست‌گذاری مجازی

استناد: محمدیان، عباس؛ قاندي، محمد رضا؛ بیابان‌نورد سروسناني، علیرضا (۱۴۰۴). تحلیلی بر نقش سیاست‌گذاری مجازی بر تاب‌آوری در فضاهای شهری تهران. *سیاست‌گذاری شهری و منطقه‌ای*، ۴(۱۵)، ۳۳-۵۷.

مقدمه

شبکه‌های اجتماعی مجازی در چند سال اخیر با استقبال زیادی از سوی نسل جوان به‌ویژه دانشجویان مواجه شده‌اند. این وضعیت مختص جامعه ایرانی نیست و در سطح جهانی نیز شاهد رشد استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی هستیم. داده‌های جهانی در مورد مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران نیز گویای همین مسئله است. بر اساس نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران در پاییز سال ۱۴۰۳، ۸۲/۲ درصد از ایرانیان دست‌کم از یکی از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی استفاده کرده‌اند. در این میان، میزان استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام ۵۰،۶ درصد، تلگرام ۳۹،۳ درصد، واتس‌آپ ۳۳،۳، ایتا ۲۸،۹ درصد، روبیکا ۲۸،۵ درصد و ۹،۷ درصد نیز کاربران شبکه اجتماعی بله خود اختصاص داده‌اند (ایسپا، ۱۴۰۳).

استفاده از شبکه‌های اجتماعی در وضعیت کنونی تبدیل به بخشی از سبک زندگی جوانان ایرانی شده است (مارکیوسکا^۱ و همکاران، ۲۰۲۰؛ مانویچ^۲، ۲۰۱۹). آنان به طور روزمره در حال استفاده از شبکه‌های اجتماعی هستند و در آن فعالیت می‌کنند. چنین وضعیتی سبب شده است که ذهنیت و نظام معنایی آن‌ها تحت تأثیر فضای شبکه‌ای و فرآیندهای تولید معنا، ارزش و هنجارهای فرهنگی-اجتماعی قرار بگیرد (کاراکوچ^۳، ۲۰۲۳). در واقع، ما با یک نسل جوان شبکه‌ای مواجه هستیم که نظام معنایی وی برگرفته از شبکه‌های اجتماعی مجازی و مناسبات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی غالب بر آن است. نظام فرهنگی غالب بر شبکه‌های اجتماعی مجازی را نمی‌توان به صورت ارزش‌گرایانه نگریست و آن را به طور کامل قبول یا رد کرد. همان‌طور که باومن^۴ (۲۰۱۳) می‌گوید شبکه‌های اجتماعی مجازی مانند چاقویی هستند که هم می‌توان با آن یک نفر را به قتل رساند و هم یک نفر را با جراحی در اتاق عمل نجات داد. با این وجود، باومن (۲۰۱۳) نیز باور عمیق به تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی مجازی بر زندگی جوانان در دنیای مدرنیته سیال دارد. این تأثیرگذاری به حدی زیاد است که شیوه مواجهه جوانان با مسائل و چالش‌هایی که در جامعه پیش می‌آیند، تعیین می‌کند. این تأثیرگذاری قاعدتاً ممکن است مثبت باشد و یا منفی.

جامعه ایرانی در سال‌های اخیر با چالش‌ها و مسائل مختلفی روبرو بوده است. این چالش‌ها در جوامع مختلف ممکن است در سطوح و شدت‌های گوناگون اتفاق بیفتد. آنچه اهمیت دارد، شیوه مواجهه جامعه با چنین مسائل و چالش‌هایی است. تاب‌آوری اجتماعی پدیده‌ای است که سبب می‌شود افراد مواجهه مطلوب و منطقی با این چالش‌ها و مسائل داشته باشند. تاب‌آوری اجتماعی توانایی گروه‌ها یا مجامع در غلبه بر نقش‌ها، ناهمگونی‌ها و نابسامانی‌های بیرونی است که این امر در نتیجه تغییرات محیطی، اجتماعی و سیاسی ایجاد می‌شود. همچنین گاهی اوقات بیان شده است که معانی تاب‌آوری موضوعی گنگ و سخت است تا بتوان آن را به صورت کاربردی و عملی انجام داد (پرومبرگر^۵ و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۴). تاب‌آوری اجتماعی به‌عنوان توانایی افراد، گروه‌ها یا جوامع برای سازگاری و بازبانی از موقعیت‌های نامطلوب مانند خشونت، فقر یا بلایای طبیعی تعریف می‌شود (ولازکو^۶ و همکاران، ۲۰۲۴: ۸۲). تاب‌آوری اجتماعی به‌عنوان یک ساختار پویا و چندوجهی در نظر گرفته می‌شود که در طول زمان، تحت تأثیر عوامل مختلف محیطی و پویایی‌های جامعه، تکامل می‌یابد. برای ارتقای رفاه و پایداری در جوامع، به‌ویژه در مواجهه با تغییرات و عدم قطعیت‌های مداوم، ضروری است (کامپل^۷ و همکاران، ۲۰۲۴: ۲). تاب‌آوری اجتماعی با شبکه‌های اجتماعی مرتبط است. پیوندها و شبکه‌های اجتماعی قوی حمایت عاطفی و مادی را در طول بحران تسهیل می‌کند، که برای بهبود فردی و جمعی حیاتی است (اولوسو^۸ و

¹ Markivska, L. L² Manovich, L³ Karakoc, L⁴ Bauman, Z⁵ Promberger, M⁶ Velazco, D. J. M⁷ Campbell, A⁸ Ulusow¹, A. H

عبدی، ۲۰۲۴: ۱۶۷). تاب‌آوری اجتماعی با احساس تعلق و هویت مشترک مرتبط است که می‌تواند رفاه فردی را بهبود بخشد و همکاری بین اعضا را تقویت کند (کوین^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۵۷۷). جوامعی که فعالانه در استراتژی‌های ایجاد تاب‌آوری مشارکت می‌کنند، می‌توانند بهتر تغییرات و چالش‌ها را مدیریت کنند؛ موضوعی که منجر به بهبود رفاه کلی می‌شود (روچیرا^۲ و همکاران، ۲۰۲۳: ۱۴۵۵). به‌هرحال، گذار از چالش‌ها و مسائلی که جامعه ایرانی با آن مواجه است و جلوگیری از تبدیل شدن آن‌ها به بحران‌های فراگیر که ساختار جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهند، نیازمند تاب‌آوری اجتماعی است. این مسئله به‌ویژه در نسل جوان و دانشجو که از لحاظ ذهنی و روانی اشتیاق بیشتری برای تغییر رادیکال وضعیت موجود دارند، بیشتر صادق است. آنچه تعیین‌کننده نوع مواجهه جوانان و دانشجویان با مسائل و چالش‌های پیش روی جامعه ایرانی است، نظام معنایی و ذهنی آنان می‌باشد؛ نظامی که سطح تاب‌آوری اجتماعی آنان را مشخص می‌کند. همان‌طور که بحث شد، نظام معنایی جوانان و دانشجویان بیش از همه تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. نسل جوان نسلی است که با اینترنت متولد شده و با آن تجربه زیسته دارد. به همین دلیل طبیعی به نظر می‌رسد که نظام معنایی و ذهنی وی تحت تأثیر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی باشد. این نظام ذهنی و معنایی تنها در عرصه ذهنی باقی نمی‌ماند، بلکه مبنایی برای رفتار و عمل در عرصه عینی می‌گردد. در هنگام بروز چالش‌ها و مسائل در جامعه ایرانی، جوانان و دانشجویان با این نظام ذهنی و معنایی شبکه‌ای شده با آن‌ها مواجهه پیدا می‌کنند. برای روبرو شدن با این چالش‌ها و جلوگیری از تبدیل شدن آن‌ها به بحران از یک طرف، و تلاش برای بازسازی جامعه از طرف دیگر، تاب‌آوری اجتماعی ضروری است. تاب‌آوری اجتماعی از نظام ذهنی و معنایی جوانان نشأت می‌گیرد؛ نظامی که مجازی و شبکه‌ای شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی مجازی که به صورت مداوم توسط دانشجویان و جوانان مورد استفاده قرار می‌گیرد، در سطح تاب‌آوری آنان نقش داشته باشد. پژوهش حاضر در شهر تهران انجام شده است. بر اساس برآورد شهرداری تهران، جمعیت شهر تهران در سال ۱۴۰۲، حدود ۹ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر بوده است. از این میزان، ۵۱/۸ درصد را مردان و ۴۸/۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۹۹/۴ درصد از شهروندان تهران باسواد هستند. تهران از لحاظ شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) رتبه اول در ایران را دارد. میزان این شاخص در تهران در سال ۱۴۰۱، ۸/۲۱ بوده است. با توجه به اینکه آمار تفکیکی از دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران وجود ندارد، با لحاظ شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) می‌توان این موضوع را برآورد کرد که نسبت دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی در تهران بیشتر از مناطق دیگر کشور باشد. تهران با ضریب نفوذ ۷۸/۵۵ بعد از مازندران بیشترین میزان نفوذ اینترنت را به خود اختصاص داده است (درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران، ۱۴۰۰).

پژوهش حاضر به دنبال فهم این نقش با بهره‌مندی از رویکرد روش‌شناختی کیفی (نظریه زمینه‌ای) است. بر این مبناء، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که شبکه‌های اجتماعی مجازی چه نقشی در تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان دارند؟

پیشینه پژوهش

مرور مطالعات تجربی انجام شده در زمینه نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تاب‌آوری اجتماعی نشان از این دارد که پژوهش‌های معدودی در این زمینه انجام شده‌اند. در سطح بین‌المللی پژوهش‌های بیشتری در این زمینه انجام شده است. ژانگ^۳ و سانگ^۴ (۲۰۲۳) با بررسی نقش سرمایه اجتماعی آنلاین در تاب‌آوری اجتماعی در همه‌گیری به این نتیجه رسیده‌اند که در آغاز همه‌گیری، هم پیوند و هم پیوند سرمایه اجتماعی، آنلاین و آفلاین، با درک تاب‌آوری جامعه مرتبط بود. با این حال، ماه‌ها پس از همه‌گیری، پیوند سرمایه اجتماعی در رسانه‌های اجتماعی تنها منبع سرمایه اجتماعی مرتبط

^۱ Quinn, T

^۲ Rochira, A

^۳ Zhang, X. A

^۴ Sung, Y. H

با درک تاب‌آوری جامعه بود. راجوناک^۱ و همکاران (۲۰۲۱) با بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در تاب‌آوری جامعه به این نتیجه رسیده‌اند که شبکه‌های اجتماعی آنلاین مانند فیس‌بوک، اینستاگرام و توییتر کانال ارتباطی منحصربه‌فردی را بین افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها فراهم می‌کنند. این ارتباط برای افراد ارزشمند است زیرا امکان دستیابی به مخاطبان گسترده‌ای از جمعیت‌های مختلف را فراهم می‌کند و به‌ویژه برای حل مشکلات توزیع‌شده و اقدام جمعی، به‌ویژه در طول رویدادهای بحران، مفید است. شبکه‌های اجتماعی مجازی و به‌طور خاص توییتر به‌عنوان یک منبع داده‌های بادوام در درک جوامع، با تأکید ویژه بر انعطاف‌پذیری جامعه در برابر بلایای طبیعی و رویدادهای بحران عمل می‌کنند. وگل^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای در زمینه نقش شبکه‌های اجتماعی آنلاین در تاب‌آوری اجتماعی در طول همه‌گیری کوئید-۱۹ به این نتیجه رسیده‌اند که شبکه‌های اجتماعی آنلاین می‌توانند با ارائه اطلاعات به‌موقع، پشتیبانی همتایان و حمایت از کسب‌وکارهای محلی در طول بحران‌هایی مانند همه‌گیری کوئید-۱۹ انعطاف‌پذیری اجتماعی را افزایش دهند و در نتیجه سبب تقویت تاب‌آوری اجتماعی شوند. فیلیپس^۳ و های^۴ (۲۰۱۸) در پژوهشی در زمینه تاب‌آوری اجتماعی در شبکه‌های دیجیتال مجازی به این نتیجه رسیده‌اند که شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق جمع‌سپاری در وضعیت‌ها و شرایط بحرانی، می‌توانند به لایه‌های مجازی و دیجیتالی بحران پاسخ مطلوب بدهند. شبکه‌های اجتماعی مجازی در وضعیت‌های بحرانی با ایجاد آگاهی موقعیتی، به تصمیم‌گیری کمک کرده و ابزاری برای واکنش به بحران هستند. بارکر^۵ و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی تاب‌آوری اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی سایبری و فیزیکی به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از داده‌های رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی در بهبود تاب‌آوری در جوامع نقش بسزایی دارد. با این وجود نوآوری در روش‌ها و رویکردهای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی نسبت به تاب‌آوری و نوآوری شبکه‌های زیرساختی برای تحقق تاب‌آوری ضرورت دارد.

در سطح داخلی نسبت به سطح بین‌المللی پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است. شهرابی فراهانی (۱۴۰۱) با بررسی نقش بازدید مذهبی مجازی بر تاب‌آوری در دوران کرونا به این نتیجه رسیده است که افرادی که در دوران کرونا به صورت مجازی از اماکن مذهبی بازدید می‌کردند، تاب‌آوری بالاتری داشته‌اند. غلامی و همکاران (۱۴۰۲) با بررسی تأثیرات مصرف بازی‌های موبایلی بر تاب‌آوری اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که مصرف بازی‌های موبایلی تأثیری منفی بر تاب‌آوری اجتماعی دارد. کاهش مهارت‌های اجتماعی و عدم تعامل در جامعه به همراه منزوی شدن جوانان و نوجوانان مهم‌ترین تأثیر بازی‌های موبایلی بر کاهش تاب‌آوری اجتماعی بوده است. عبدلی پیران (۱۴۰۰) با بررسی پیمایشی رابطه میزان استفاده از فضای مجازی و تاب‌آوری اجتماعی جوانان به این نتیجه رسیده است که بین میزان استفاده از فضای مجازی با جستجوی معنا در زندگی و وجود معنا در زندگی رابطه معنادار منفی وجود دارد. بین میزان استفاده از فضای مجازی با تاب‌آوری اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. بر اساس نتایج این پژوهش، فضای مجازی می‌تواند مفهوم و معنای زندگی جوانان را دستخوش تغییراتی کند، اما میزان استفاده از آن بر تاب‌آوری جوانان تأثیری ندارد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که پژوهش‌های انجام شده (به‌ویژه در داخل کشور) کمتر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تاب‌آوری اجتماعی را بررسی کرده‌اند. پژوهش‌های اندک صورت گرفته عموماً از روش تحقیق کمی استفاده نموده‌اند و در برخی موارد دارای آشفتگی‌های روش‌شناختی و نظری هستند. پژوهش‌های انجام شده در سطح بین‌المللی نیز عموماً در حوزه‌های پژوهشی روانشناختی و روانپزشکی انجام شده‌اند و تمرکز کمتری از سوی پژوهشگران اجتماعی و فرهنگی بر این موضوع وجود داشته است.

¹ Rachunok, B

² Vogel, P

³ Phillips, J

⁴ Hay, A. H

⁵ Barker, K

مبانی نظری

واژه تاب‌آوری ابتدا در علوم فیزیکی به منظور توضیح رفتار یک فنر استفاده شد. پس از آن در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، واژه تاب‌آوری توسط متفکران اجتماعی و روانشناختی برای توصیف پدیده‌های نسبتاً متفاوتی به کار برده شد. از نظر روانشناسی، «تاب‌آوری» برای توصیف گروه‌هایی که رفتار خود را در قبال سختی‌ها و مشکلات عوض نمی‌کنند استفاده شد (رز^۱، ۲۰۰۹: ۷۵). تاب‌آوری اجتماعی به‌عنوان توانایی گروه‌ها یا جوامع برای مقابله با استرس‌ها و آشفتگی‌های بیرونی ناشی از تغییرات اجتماعی، سیاسی و محیطی تعریف می‌شود. این مفهوم بر ظرفیت مقاومت، بازیابی و انطباق با چالش‌ها تأکید می‌کند و بر پیوستگی سیستم‌های اجتماعی و اکولوژیکی تأکید می‌کند. تاب‌آوری اجتماعی با عواملی مانند تبعیت فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی، دانش محلی و وابستگی متقابل جامعه مشخص می‌شود که به توانایی کلی جامعه برای پیشرفت در میان ناملازمات کمک می‌کند (کامار^۲، ۲۰۲۴: ۱۲۹). ماگویر^۳ و هاگان^۴ (۲۰۰۷: ۱۷) تاب‌آوری اجتماعی را ظرفیت گروه‌های اجتماعی و جوامع به منظور بازسازی و پاسخگویی مثبت به حوادث می‌دانند. به اعتقاد آن‌ها تاب‌آوری اجتماعی شامل سه جنبه از چگونگی پاسخ مردم به حوادث می‌شود: مقاومت، بازیابی و خلاقیت. جامعه‌ای که دارای تاب‌آوری بالایی است هر سه عکس‌العمل بالا در آن وجود دارد. تاب‌آوری اجتماعی دارای مراحل مختلفی است و به طور قابل ملاحظه‌ای باعث دوام و استحکام اجتماع می‌گردد. سطح انعطاف‌پذیری گروه‌های مختلف در یک اجتماع با هم تفاوت دارد و عکس‌العمل آن‌ها نیز در موارد بحرانی متفاوت است.

مایونگا^۵ (۲۰۰۷) تاب‌آوری اجتماعی را توانایی افراد، جوامع، نهادها و جوامع برای انطباق با شرایط متغیر و مقاومت و بهبودی از ناملازمات می‌داند. در این منظر، تاب‌آوری اجتماعی به عنوان فرآیندی پویا تلقی می‌شود که متضمن تعامل و وابستگی متقابل نظام‌های اجتماعی مختلف از جمله افراد، خانواده‌ها، جوامع و نهادها است. مایونگا تأکید می‌کند که تاب‌آوری اجتماعی فقط به معنای غلبه بر مشکلات نیست، بلکه در مورد یادگیری و تبدیل چالش‌ها به فرصت‌هایی برای رشد و توسعه است. او چندین مؤلفه کلیدی تاب‌آوری اجتماعی را شناسایی می‌کند که عبارت‌اند از:

الف) شبکه‌ها و روابط اجتماعی: شبکه‌ها و روابط اجتماعی قوی، حمایت عاطفی و عملی را برای افراد و جوامع در مواقع استرس و سختی فراهم می‌کند.

ب) هویت و ارزش‌های فرهنگی: هویت و ارزش‌های فرهنگی حس تعلق و تداوم را ایجاد می‌کند و به افراد و جوامع کمک می‌کند تا حس هدف و معنا را در مواجهه با ناملازمات حفظ کنند.

ج) سیستم‌های اقتصادی و سیاسی: نظام‌های اقتصادی و سیاسی که پاسخگوی نیازها و اولویت‌های افراد و جوامع هستند، می‌توانند با فراهم کردن منابع و فرصت‌های رشد و توسعه به ایجاد تاب‌آوری کمک کنند.

د) رهبری و حکمرانی: رهبری و حکمرانی مؤثر می‌تواند به ایجاد اعتماد، تقویت همکاری و ارتقای تصمیم‌گیری مؤثر کمک کند، که همگی برای ایجاد انعطاف‌پذیری مهم هستند (مایونگا، ۲۰۰۷: ۷-۵).

نوریس^۶ (۲۰۰۸) بر نقش شبکه‌ها در تاب‌آوری اجتماعی تمرکز دارد. وی تاب‌آوری اجتماعی را به‌مثابه ظرفیت شبکه‌ای توصیف می‌کند. نوریس (۲۰۰۸: ۱۴۴) تاب‌آوری اجتماعی را فرآیندی می‌داند که منجر به سازگاری می‌شود، نه یک نتیجه و نه یک برآیند نهایی. آنان ۴ بعد اصلی برای تاب‌آوری اجتماعی قائل هستند: توسعه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، اطلاعات و روابط، و توانمندی جامعه. بعد سرمایه اجتماعی متشکل از حمایت اجتماعی، ارتباط و همکاری سازمان‌ها، مشارکت مردمی، حس جامعه محلی و دلبستگی مکانی است. بعد توسعه اقتصادی و عدالت به بخش منابع می‌پردازد.

¹ Rose, A. Z

² Qamar, A. H

³ Maguire, B

⁴ Hagan, P

⁵ Mayunga, J. S

⁶ Norris, F. H

بعد توانایی جامعه محلی به مهارت حل مسئله، انعطاف‌پذیری، خلاقیت، توانایی و کارایی جامعه محلی و نیز وجود مشارکت توأم با اعتماد در جامعه اطلاق می‌گردد. به نظر نوریس عضویت در جامعه محلی منبع مهمی برای ترغیب اعضای جامعه برای توانمندی مؤثر در مواجهه با چالش‌های زندگی است. لذا حس جامعه محلی می‌تواند از ملزومات تاب‌آوری باشد. با حس جامعه محلی مشارکت در شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و توانمندی‌های افراد، توانمندی‌های جامعه را برای استفاده از منابع داخلی در برابر مواجهه با بحران‌های وارده، بالا می‌برد. بعد ارتباطات و اطلاعات به روایت‌ها و اطلاعات قابل اعتماد می‌پردازد (محمدی‌تبار، ۱۳۹۷: ۶۳).

اوبریست^۱ (۲۰۱۰) تاب‌آوری اجتماعی را به عنوان ظرفیتِ بازیگران برای دسترسی به منابع سرمایه‌ای، نه تنها در جهتِ سازگاری با شرایط نامطلوب (ظرفیت واکنشی) بلکه در جهتِ جستجو و خلقِ انتخاب‌ها (ظرفیت فعال و مثبت)، می‌داند. از این طریق، توانمندی و ظرفیتِ انباشت‌شده (نتایج مثبت) برای مواجهه و مقابله با یک تهدید شکل می‌گیرد (اوبریست و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۸۹). وی رویکرد تاب‌آوری چندلایه خود را به دیدگاه بورديو در مورد منابع سرمایه‌ای پیوند می‌زند و معتقد است افراد و گروه‌ها بر مبنای میزان دسترسی خود به سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی، مواجهه متفاوتی با شرایط تهدیدآمیز دارند. بنابراین، تاب‌آوری اجتماعی افراد به بسترها، منابع و شرایط زمینه‌ای آن‌ها که توسط نوع و میزان دسترسی به منابع سرمایه‌ای تعیین می‌شود، بستگی دارد (اوبریست و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۹۱). کولبورن^۲ و سیارا^۳ (۲۰۱۱) تاب‌آوری را با پویایی سیستم‌های اجتماعی مرتبط می‌داند. هدف از تاب‌آوری از دیدگاه آنان سازگاری (تطبیق‌پذیری) و تغییرپذیری است (کولبورن و سیارا، ۲۰۱۰: ۷). از نظر کولبورن و سیارا (۲۰۱۱) تاب‌آوری اجتماعی توانایی یک سیستم اجتماعی برای پاسخگویی و بازیابی قبل و بعد از حوادث ناگوار است. علاوه بر این تاب‌آوری مرتبط با توانایی دفع پیامدها و شدتِ ضرباتی است که توسط یک حادثه ناگوار بر جامعه وارد می‌شود. در کنار این مسئله، تاب‌آوری شامل کنار آمدن با رخداد و تطبیق و سازگاری با آن است. همچنین یک سیستم اجتماعی باید توانایی سازماندهی مجدد خود، تغییر رویه‌ها و آموختن از بلایا و رخدادهای داشته باشد. این ظرفیت تطبیقی سیستم اجتماعی است که مؤلفه‌ای بنیادی برای تاب‌آوری اجتماعی محسوب می‌گردد (کولبورن و سیارا، ۲۰۱۰: ۷). انطباق‌پذیری به معنای توانایی نهادها و شبکه‌ها برای یادگیری، ذخیره دانش و تجربه است. این امر به آنان کمک می‌کند که در تصمیم‌گیری در زمان بحران و حادثه، انعطاف‌پذیری و خلاقیت داشته باشند. علاوه بر نهادها و شبکه‌ها، ساختار قدرت نیز باید پاسخگو باشد و در برابر حوادث و رخدادهای ناخوشایند توانمند بوده، قدرت حل مسئله داشته باشد و با ذی‌نفعان مختلف به صورت عادلانه برخورد نماید (کولبورن و سیارا، ۲۰۱۰: ۸).

تاب‌آوری اجتماعی تحت تأثیر پدیده‌های مختلفی قرار دارد که شبکه‌های اجتماعی مجازی یکی از این پدیده‌ها است. شبکه اجتماعی مجازی یک ساختار اجتماعی است که از افراد (یا سازمان‌ها) ساخته شده است که می‌توان آن‌ها را «گره» نامید، و پیوندهایی که انواع مختلف روابط/وابستگی متقابل بین گره‌ها ایجاد می‌شوند. در واقع یک شبکه اجتماعی بر اساس دو پارامتر است: گره‌ها و پیوندها. گره‌ها محتوای روابط (پیوندها) را بر اساس موضوع/علاقه/حضورشان تعریف می‌کنند (مانند تجارت مالی، دوستان، خویشاوندی، عدم علاقه، تجارت، روابط جنسی، انتقال بیماری (اپیدمیولوژی)). یکی از ویژگی‌های مهم یک پیوند، نوع فناوری تبادل اطلاعات/ارتباطات است (به عنوان مثال استفاده از تجهیزات سیار). امروزه شبکه‌های اجتماعی از خدمات مبتنی بر وب استفاده می‌کنند، بنابراین نوع ارتباط می‌تواند رفتار گره‌ها، عادات ارتباطی کاربران را تغییر دهد (مزگار^۴ و گرابنر کراؤتر^۵، ۲۰۱۲: ۲۸۹). اتریونی^۶ (۱۹۹۹: ۲۴۲) شبکه‌های اجتماعی

¹ Obrist, B

² Colburn, L

³ Seara, T

⁴ Mezgar, I

⁵ Grabner-Kräuter, S

⁶ Etzioni, A. E. O

مجازی را از منظر پیوند و فرهنگ تعریف می‌کند و آن را دارای دو ویژگی اصلی می‌داند: شبکه‌ای از روابط که گروهی از افراد را در برمی‌گیرد (پیوند) و تعهد به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، آداب و معانی مشترک و هویت تاریخی مشترک (فرهنگ). شبکه‌های اجتماعی مجازی با تأثیرگذاری بر ذهنیت و نظام معنایی افراد می‌توانند سطح و میزان تاب‌آوری اجتماعی آن‌ها را تحت تأثیر قرار بدهند. از لحاظ نظری این فرآیند به طور خاص بررسی نشده است و نوعی خلاء نظری در این زمینه وجود دارد. پژوهش حاضر به در پیش گرفتن روش تحقیق نظریه زمینه‌ای به دنبال بررسی این فرآیند و ارائه یک مدل پارادایمی برای فهم عمیق‌تر آن است.

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش حاضر از نوع روش‌شناسی کیفی است. روش‌شناسی کیفی روش‌های تحقیق مختلف را شامل می‌شود. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش نظریه زمینه‌ای^۱ (رویکرد سیستماتیک) است. نظریه زمینه‌ای یکی از مهمترین روش‌های تحقیق کیفی محسوب می‌گردد. نظریه زمینه‌ای طرح پژوهش کیفی است که محقق بر اساس آن اقدام به تولید یک تبیین عام (نظریه) از یک فرایند، کنش یا تعامل می‌کند که بر اساس دیدگاه شماری از مشارکت‌کنندگان شکل می‌گیرد (استراوس و کربین، ۱۳۹۱). نظریه زمینه‌ای مجموعه‌ای از شیوه‌ها برای توسعه دادن نظریه‌ای استقرایی در مورد یک پدیده است. روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای، به‌عنوان رویکردی با خصیصه‌های ظهوریابنده^۲، باز و انعطاف‌پذیر مطرح است. بر اساس این ویژگی‌ها، تبیین حاصل از نظریه قبل از اینکه صورت قطعی و نهایی پیدا کند حالتی روینده، تولیدی یا فرایندی دارد (ایمان، ۱۳۹۱: ۹۵).

مشارکت‌کنندگان پژوهش افراد متخصص در حوزه رسانه‌های اجتماعی نوین و تاب‌آوری اجتماعی بودند. روش نمونه‌گیری، هدفمند-نظری^۳ بوده است. نمونه‌گیری هدفمند به این معناست که پژوهش‌گر به صورت آگاهانه و هدفمند به افراد یا مشارکت‌کنندگان مراجعه می‌کند که در رابطه با پدیده مورد مطالعه تجربه یا اطلاعات کافی و مفید داشته باشند. نمونه‌گیری نظری بر اساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در فرایند تحلیل داده‌ها ظهور و تکوین می‌یابند. این نوع نمونه‌گیری دارای خصوصیت انباشتی بوده، مبتنی بر نمونه‌های قبلی و بر مبنای مفهوم «مقایسه»^۴ استوار است (استراوس و کربین، ۱۳۹۱). روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بوده است. حجم نمونه ۱۲ نفر بوده است. معیار اتمام مصاحبه‌ها، دستیابی به اشباع نظری بود. اشباع نظری نقطه یا مرحله‌ای در کدگذاری است که در آن دیگر امکان ایجاد کدهای جدید در داده‌ها وجود ندارد. اگرچه نمونه‌های پایه از همان کدها وجود دارد، اما کدهای جدیدی نیستند (اورکوهارت^۵، ۲۰۱۲: ۱۹۴). ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد مورد مصاحبه در جدول زیر آمده است.

جدول (۱). مشخصات مشارکت‌کنندگان در مرحله کیفی پژوهش

ردیف	جنس	سن	تحصیلات	تخصص
۱	زن	۳۹	دکترای تخصصی	علوم ارتباطات
۲	زن	۵۴	دکترای تخصصی	علوم ارتباطات
۳	مرد	۵۵	دکترای تخصصی	جامعه‌شناسی
۴	مرد	۵۲	دکترای تخصصی	علوم ارتباطات
۵	مرد	۴۲	دکترای تخصصی	جامعه‌شناسی

^۱ Grounded Theory Method

^۲ Emerging

^۳ Purposive - Theoretical Sampling

^۴ Comparison

^۵ Urquhart, C

ردیف	جنس	سن	تحصیلات	تخصص
۶	مرد	۴۵	دکترای تخصصی	علوم ارتباطات
۷	مرد	۵۵	دکترای تخصصی	علوم ارتباطات
۸	زن	۴۴	دکترای تخصصی	علوم ارتباطات
۹	مرد	۳۰	کارشناسی ارشد	کارآفرینی و ارتباطات
۱۰	مرد	۳۹	دکترای تخصصی	جامعه‌شناسی
۱۱	زن	۴۳	دکترای تخصصی	علوم ارتباطات
۱۲	مرد	۳۷	دکترای تخصصی	جامعه‌شناسی

به‌منظور تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از روش کدگذاری سه مرحله‌ای نظریه زمینه‌ای سیستماتیک استفاده شده است. ابتدا در مرحله کدگذاری باز مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و متن حاصل از این پیاده‌سازی به‌صورت سطر به سطر کدگذاری و مفاهیم اولیه در راستای اهداف پژوهش مشخص شدند. در مرحله کدگذاری محوری نیز مفاهیمی که به لحاظ فضای مفهومی به هم مرتبط بودند ذیل مقولات فرعی و اصلی دسته‌بندی و ساماندهی شدند. یکی دیگر از اقدامات اصلی در مرحله کدگذاری محوری قرار دادن مقوله‌های اصلی پژوهش در قالب اجزای مدل پارادایمی بود. به این معنا که با توجه به ماهیت هر یک از این مقوله‌ها و ویژگی‌های مربوط به اجزای مدل پارادایمی (شرایط، عمل - تعامل و پیامد) ساماندهی مقوله‌ها بر مبنای این اجزا به انجام رسید. در مرحله کدگذاری گزینشی که با هدف یکپارچه‌سازی و پالایش داده‌ها برای ظهور مقوله اصلی پژوهش و ارائه نظریه زمینه‌ای مبتنی بر واقعیت خاص و مشخص انجام می‌شود. ابتدا مقوله‌های اصلی شناسایی‌شده در مرحله کدگذاری محوری به‌منظور گزینش مقوله هسته یا مرکزی پژوهش ساماندهی و بر اساس فضای مفهومی این مقوله‌ها مقوله مرکزی یا هسته پژوهش انتخاب گردید.

به منظور دستیابی به اعتماد موردنیاز برای تأیید علمی نتایج از تکنیک‌های رایج اعتباریابی در روش نظریه زمینه‌ای شامل کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا^۱ (کرسول و میلر^۲، ۲۰۰۰)، مقایسه‌های تحلیلی^۳ (بوستانی و محمدپور، ۱۳۸۸) و تکنیک ارزیابی یا بازرس خارجی^۴ (کرسول و میلر، ۲۰۰۰) استفاده گردید. بر این اساس، صحت و درستی یافته‌های پژوهش در مراحل کدگذاری به وسیله تعدادی از مشارکت‌کنندگان یا به عبارت دیگر مصاحبه‌شوندگان پژوهش تأیید گردید (اعتباریابی توسط اعضا). پژوهشگر با مراجعه مستمر به داده‌های خام و درگیری مداوم با اطلاعات گردآوری‌شده و تحلیل مجدد آن‌ها، ساخت‌بندی مدل پارادایمی پژوهش را با این داده‌ها مقایسه و مورد ارزیابی قرار داده است (مقایسه-های تحلیلی). یک نفر کارشناس حوزه رسانه‌های ارتباطی نوین فرایند و یافته‌های پژوهش را مورد ارزیابی و داوری قرار داده و نتایج به دست آمده از آن را تأیید کردند (تکنیک بازرس خارجی). در نهایت نیز یک نفر متخصص نظریه زمینه‌ای بر مراحل مختلف تحلیل داده‌ها؛ کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقوله‌ها و در نهایت ارائه الگوی داده‌بنیاد مربوط به موضوع پژوهش نظارت داشته است.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که بحث شد، تحلیل داده‌ها در سه مرحله انجام شده است. در مرحله کدگذاری باز ۱۲۰۰ کد اولیه و بار به دست آمدند. این کدها در مرحله کدگذاری محوری با یکدیگر تلفیق شده و پس از جرح و تعدیل‌های متوالی (با رفت‌وبرگشت مداوم بین کدها، داده‌ها و میدان) تبدیل به ۵۶ مقوله اصلی شدند که در مرحله انتزاعی بعدی تبدیل به

1. Member Check

2. Miller, D. L

3. Analytical Comparison

4. Auditing

۱۴ مقوله اصلی شدند. این مقولات در قالب ابعاد پارادایمی قرار گرفتند و مدل پارادایمی نهایی را شکل دادند. در مرحله کدگذاری انتخابی روابط بین این مقولات برقرار گردید و مقوله مرکزی ارائه گردید. در ادامه هر کدام از ابعاد پارادایمی همراه با مقولات مرتبط با هر کدام مورد بحث قرار می گیرند.

جدول (۲). ابعاد پارادایمی، مقولات اصلی و فرعی

ابعاد پارادایمی	مقولات اصلی	مقولات خرد
شرایط علی	مصرف مجازی	میزان مصرف / نوع مصرف / وابستگی مصرف
	نمایش مجازی	بازنمایی سبک زندگی / نمایش فرهنگ زدا / امیدزدایی مجازی
شرایط مداخله گر	دینداری	باور / عاطفه / مناسک
	سرمایه اجتماعی	اعتماد / مشارکت / انسجام
شرایط زمینه ای	منابع اقتصادی	طبقه اقتصادی - اجتماعی / منابع مالی
	ناکارآمدی سیاسی - اقتصادی	مسائل اقتصادی / دورنمای اقتصادی / حکمرانی ناکارآمد / دورنمای سیاسی
	سیاست گذاری مجازی	محدودیت دسترسی / مواجهه سلبی / سیاست های فرهنگی
	شبکه سازی مجازی	شبکه سازی علمی / شبکه سازی شغلی
	توسعه اقتصادی - سیاسی	اشتغال زایی / کنترل تورم / بهبود رفاه اقتصادی / سیاست گذاری
راهبردها		اقتصادی / صنعت گرایی نوین / کارآمدی سیاسی
	توسعه فرهنگی - اجتماعی	عدالت اجتماعی / حمایت اجتماعی / تعامل اجتماعی / بومی سازی
		رسانه ای / اعتماد سازی دوسویه
	توسعه نظام تولید محتوا	تولید محتوا / جهت دهی محتوا
پیامدها	سازگاری اجتماعی	سازگاری اجتماعی / سازگاری اقتصادی / سازگاری سیاسی / سازگاری سیاسی
	امید به آینده	امید به آینده فردی / امید به آینده جمعی

۱. شرایط علی

شرایط علی مجموعه ای از حوادث، وقایع و اتفاقاتی هستند که به وقوع یا گسترش پدیده مورد نظر می انجامد. در پژوهش حاضر، مقوله های «مصرف مجازی» و «نمایش مجازی» به عنوان شرایط علی «تاب آوری اجتماعی» احصاء شده اند.

مصرف مجازی

بر اساس تحلیل دیدگاه کارشناسان و متخصصانی که با آن ها مصاحبه انجام شده است، مصرف مجازی یکی از عواملی است که بر تاب آوری اجتماعی تأثیر می گذارد. هرچه میزان مصرف اینترنتی دانشجویان در اینستاگرام بیشتر باشد، تاب آوری آنان نیز بیشتر تحت تأثیر قرار می گیرد. برخی بر این باورند که مصرف بیشتر شبکه های اجتماعی مجازی سبب تاب آوری بیشتر می شود و برخی معتقدند که مصرف بیشتر شبکه های اجتماعی مجازی سبب کاهش میزان تاب آوری اجتماعی دانشجویان می شود. علاوه بر میزان مصرف، نوع مصرف دانشجویان نیز می تواند در این زمینه تأثیرگذار باشد. یکی از افرادی که با وی مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهار نظر نموده است:

«شبکه های اجتماعی می توانند در تاب آوری اجتماعی دانشجویان مؤثر باشد چون دانشجویان وقت زیادی صرف این شبکه ها می کنند. تأثیر می تواند هم مثبت و منفی باشد اما تأثیر منفی آن ها با توجه به غلبه پیچ های از زندگی و سبک زندگی مرفه جوانان، منفی است» (مصاحبه شماره ۱، پاراگراف ۱۹).

مسئله دیگر مرتبط با تأثیرگذاری مصرف مجازی بر تاب‌آوری اجتماعی و امید به آینده دانشجویان، وابستگی مصرف است. استفاده مداوم و روزمره دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب ایجاد نوعی وابستگی و اعتیاد در آنان می‌شود که این امر پیامدهای منفی زیادی می‌تواند برای آنان داشته باشد. وابستگی مصرف سبب می‌شود که دانشجویان فضای مجازی را واقعی‌تر از فضای زیست واقعی خودشان فرض کنند. با توجه به حاکمیت فرهنگی ضدایرانی غالب در شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی و فرم نمایش ضدفرهنگی ایرانی در آن، قاعدتاً این وابستگی علاوه بر پیامدهای اجتماعی برای دانشجویان، سبب ایجاد دیدگاه منفی بیشتر در آنان نسبت به آینده ایران، نظام فرهنگی-ارزشی ایرانی و تاب‌آوری پایین در آنان می‌شود. یکی از افرادی که با وی مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده است:

«وابستگی مفرط و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند باعث کاهش تمرکز و توانایی‌های تاب‌آوری دانشجویان شود» (مصاحبه شماره ۱۰، پاراگراف ۴۳).

نمایش مجازی

اولین مسئله مرتبط با نمایش مجازی به عنوان یکی از شرایط علی تأثیرگذار بر تاب‌آوری اجتماعی بازنمایی سبک زندگی است. سبک زندگی جامعه ایرانی نشأت گرفته از عناصر فرهنگی و اجتماعی ایرانی-اسلامی است. این سبک زندگی به کنشگران و به طور خاص دانشجویان استراتژی‌های رفتاری و هنجاری ارائه می‌دهد که بر اساس آن زیست اجتماعی خود را تنظیم می‌کنند. اما سبک زندگی بازنمایی شده در شبکه‌های اجتماعی مجازی در تعارض با سبک زندگی ایرانی-اسلامی قرار دارد و عموماً در تناسب با عناصر فرهنگی و ارزشی جامعه غربی تنظیم شده است. مواجهه مداوم دانشجویان با شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب می‌شود که به مرور عناصر فرهنگی و ارزشی جامعه غربی در ذهنیت آن‌ها نهادینه شود که همین امر در نهایت نوعی مطلوبیت برای سبک زندگی غربی را برای آنان به دنبال خواهد داشت. بر مبنای کدگذاری و تحلیل مضمونی مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان، سبک زندگی بازنمایی شده در شبکه‌های اجتماعی مجازی شامل مؤلفه‌هایی مانند تبلیغ سبک زندگی مرفه، مقایسه مداوم سبک زندگی نمایشی با سبک زندگی واقعی، و سبک زندگی فیلترشده و نمایش ابعاد غیرواقعی آن است. یکی از افرادی که با وی مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده است:

«به نظرم اینستاگرام در مجموع تأثیرش منفی بوده است به این دلیل که دیزاینی که دارد لحظات خوش و دستاوردها را نشان می‌دهد و انسان‌ها را ناخودآگاه وارد یک فضای مقایسه می‌کند. دسترسی به خیلی از لایف استایل‌ها و سبک زندگی‌های کسانی که در ایران هستند یا در ایران نیستند خیلی زیاد است. اینستاگرام صرفاً خوبی‌ها را نشان می‌دهد و این باعث می‌شود تأثیر منفی داشته باشد و ناخودآگاه افراد عامل اصلی را محیط بدانند برای شرایط بهتر زندگی و خب این تاب‌آوری را کمتر می‌کند» (مصاحبه شماره ۸، پاراگراف ۳۴).

آنچه در نمایش مجازی فرهنگ شاهد آن هستیم، فرمی از امیدزدایی مجازی از جامعه ایرانی است. در شبکه‌های اجتماعی مجازی شاهد مقایسه مداوم وضعیت ایران و کشورهای دیگر هستیم؛ تبلیغات ضدایرانی در آن تبدیل به یک قاعده شده است؛ جامعه ایرانی یک دیستوپای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی توصیف می‌شود و غرب تبدیل به یک جامعه ایده‌آل می‌شود. علاوه بر این، ناکارآمدی نظام حکمرانی در ایران به هر بهانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی مجازی بزرگنمایی شده و مورد بازنمایی و نمایش قرار می‌گیرد. برآیند نهایی این عوامل، امیدزدایی از جامعه ایرانی به‌ویژه در میان قشر دانشجو است که از حساسیت‌های بیشتری برخوردارند. یکی از افرادی که با وی مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده است:

«رسانه‌های اجتماعی و نوین به دلیل این که در کشورهای جهان سوم از حیطة کنترل دولت‌ها خارج هستند، اتفاقاً بیشتر می‌توانند نقش‌های منفی خود را با توجه به زمینه‌های موجود و فراهم بودن بستر مناسب اجتماعی بروز دهند» (مصاحبه شماره ۴، پاراگراف ۴۱).

شرایط علی مطرح‌شده نشان‌دهنده تأثیر عمیق شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان است. مصرف مجازی، با ایجاد وابستگی و تغییر در ادراک واقعیت، به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار می‌تواند منجر به کاهش تاب‌آوری اجتماعی شود، زیرا دانشجویان با تصویری غیرواقعی از زندگی مواجه می‌شوند که منجر به نارضایتی و ناامیدی می‌گردد. از سوی دیگر، نمایش مجازی با بازنمایی سبک زندگی غربی و برجسته‌سازی کاستی‌های جامعه ایرانی، امید اجتماعی را کاهش داده و با ایجاد مقایسه‌های مستمر، تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان را تضعیف می‌کند. درمجموع، این دو مقوله با تغییرات ذهنی و ارزشی در میان دانشجویان، نقشی اساسی در شکل‌گیری احساس ناپایداری اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی ایفا می‌کنند.

۲. شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر، شرایط ساختاری‌ای هستند که به پدیده‌ی موردنظر تعلق دارند و بر راهبردهای عمل/تعامل اثر می‌گذارند. در این پژوهش مقوله‌های «دینداری» و «سرمایه اجتماعی» به‌منزله شرایط مداخله‌گر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تاب‌آوری اجتماعی و امید به آینده دانشجویان در نظر گرفته شده‌اند.

دینداری

دینداری اولین عامل مداخله‌گر در تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان است. دانشجویانی که دارای باور دینی قوی باشند، بیشتر از دیگران می‌توانند در برابر مسائل و مشکلات دوام بیاورند. آن‌ها عموماً چنین مسائل و مشکلاتی را نوعی آزمایش الهی قلمداد می‌کنند و می‌دانند که با داشتن ایمان به خدا و باور به قضا و قدر الهی می‌توانند از این شرایط عبور کنند. در واقع، باور دینی، بنیادی درونی و ذهنی برای دانشجویان ایجاد می‌کند که آنان را در برابر مسائل و مشکلات محافظت می‌کند. یکی از افرادی که با وی مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده است:

«بخشی از مسئله مربوط می‌شود به اعتقادات و دینداری. مسئله دین و اعتقادات خیلی می‌تواند تأثیرگذار باشد در میزان تاب‌آوری اجتماعی. افراد وقتی با مسائل مختلف مواجه می‌شوند با مشکلات و معضلات مختلف مواجه می‌شوند، حساب یک جای دیگر را دارند» (مصاحبه شماره ۱۱، پاراگراف ۱۰).

دینداری نقشی بنیادی در تقویت سرمایه اجتماعی بازی می‌کند؛ مسئله‌ای که برای تقویت تاب‌آوری اجتماعی و امید به آینده دانشجویان دارای اهمیت محوری است. به‌هرحال، دینداری هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم، سازگاری و تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان را تقویت می‌کند. دینداری مانند یک دژ مستحکم در برابر ناملایمات و مشکلات موجود عمل می‌کند و گذار دانشجویان از وضعیت‌های بحرانی را با کمترین هزینه صورت می‌دهد. یکی از افرادی که با وی مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده است:

«دانشجویانی که بیشتر از بقیه نمازخوان هستند یا مسجد می‌روند یا اینکه در گروه‌های مذهبی توی دانشگاه‌ها فعالیت دارند خوب بیشتر از بقیه تعلق دارند به مملکت و جامعه و ایران. این‌ها کشور را از خودشان می‌دانند و اگر هم روزی مشکلی پیش بیاید باور و اعتقادشان این است که باید وظیفه خودشان بدانند که مقابله بکنند با این مشکلات. یعنی منظور این است که خودشان را بخشی از فرآیند و راه‌حل می‌دانند» (مصاحبه شماره ۱۰، پاراگراف ۱۵).

سرمایه اجتماعی

دومین عامل مداخله‌گر در تاب‌آوری اجتماعی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، مجموع منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که به داشتن شبکه پایداری از روابط متقابل کم‌وبیش نهادینه‌شده ناشی از آشنایی، موردپذیرش قرار گرفتن و

شناخته شده بودن است. یکی از مسائلی که سبب شده است افراد تاب‌آوری اجتماعی پایینی در شرایط فعلی جامعه ایرانی داشته باشند، فقدان اعتماد در سطوح مختلف است. پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده نشان از این دارد که اعتماد مردم و به‌ویژه دانشجویان هم نسبت به نهادهای مختلف و هم نسبت به افراد دیگر در سطح پایینی قرار دارد. سازگاری با بحران‌ها و تاب‌آوری اجتماعی نیازمند همکاری و تعامل افراد و شهروندان و نهادهای مختلف با یکدیگر است. در صورتی که اعتماد در سطح پایینی باشد این همکاری شکل نخواهد گرفت و گذار از ناملایمات و بحران‌ها به‌سختی امکان‌پذیر خواهد بود. اما در صورتی که اعتماد در سطوح مختلف وجود داشته باشد، همکاری و تعامل بین افراد و نهادها به‌خوبی صورت می‌گیرد و گذار از بحران‌ها و ناملایمات سهل‌تر خواهد بود. اعتماد منجر به تقویت همکاری و مشارکت بیشتر دانشجویان خواهد شد؛ مسئله‌ای که برای گذار از ناملایمات و تقویت تاب‌آوری اجتماعی آنان اهمیتی اساسی دارد. هنگامی که دانشجویان مشارکت بیشتری در مسائل دانشگاه داشته باشند، تعلق دانشگاهی آن‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین آنان احتمالاً امید به آینده بالاتری نیز خواهند داشت زیرا خودشان به صورت عملی در حال ساخت فضایی برای آینده خواهند بود. عضویت دانشجویان در انجمن‌ها و نهادهای دانشگاهی سبب می‌شود هم مشارکت آنان تقویت شود، هم سطح تعاملات اجتماعی و نهادی آنان افزایش پیدا کند و هم اعتماد فرسایش‌یافته بین دانشگاه و دانشجو به مرور ترمیم گردد. در نهایت اعتماد و مشارکت اجتماعی دانشجویان، انسجام اجتماعی آنان را نیز تقویت خواهد کرد؛ موضوعی که عاملی بنیادی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی در آنان است. بحران‌ها و ناملایماتی‌های اجتماعی عموماً وضعیت‌هایی هستند که در آن‌ها نظم اجتماعی از هم می‌پاشد و نوعی آشفتگی بر اجتماع حاکم می‌شود. در صورتی که همبستگی اجتماعی در وضعیت مناسبی نباشد، گذار از این وضعیت نه‌تنها ممکن نخواهد بود، بلکه ممکن است بحرانی‌تر نیز شود. دو نفر از کسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده‌اند:

«مشارکت در فعالیت‌های تعبیه‌شده و بومی در محتوای شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند به لحاظ فرهنگ مثبت اندیشی افق‌های جدید را با هم‌افزایی برای دانشجویان بگشاید» (مصاحبه شماره ۲، پاراگراف ۳۳).

«از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی، به دانشجویان بگویید که با مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و خدمت به جامعه، می‌توانند تاب‌آوری خود را تقویت کنند. می‌توانید به آن‌ها بگویید که با داوطلبی در پروژه‌های اجتماعی، مشارکت در برنامه‌های خیریه و ایجاد تغییرات مثبت در جامعه، مهارت‌ها و قدرت تحمل آن‌ها در مواجهه با چالش‌ها بهبود می‌یابد» (مصاحبه شماره ۷، پاراگراف ۴۶).

بنابراین می‌توان گفت شرایط مداخله‌گر مانند دینداری و سرمایه اجتماعی به‌عنوان عناصر کلیدی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان عمل می‌کنند. دینداری از طریق ایجاد یک بنیان ذهنی مستحکم، نقش حمایت روانی را ایفا کرده و دانشجویان را در برابر مشکلات و بحران‌های اجتماعی مقاوم‌تر می‌سازد. این باور دینی، حس تعلق و مسئولیت‌پذیری را افزایش داده و آنان را به بخشی از راه‌حل مسائل اجتماعی تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی از طریق افزایش اعتماد، تعاملات اجتماعی و مشارکت در نهادهای دانشگاهی، بستری برای انسجام اجتماعی فراهم می‌آورد که موجب ارتقای امید به آینده و توانایی دانشجویان در مدیریت بحران‌ها می‌شود. در مجموع، این دو عامل از طریق تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان دارند.

۳. شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مجموعه مشخصه‌های ویژه‌ای است که به پدیده‌ی موردنظر دلالت می‌کند؛ یعنی محل حوادث و وقایع متعلق به پدیده. در این پژوهش مقوله‌های «منابع اقتصادی»، «ناکارآمدی سیاسی-اقتصادی» و «سیاست‌گذاری مجازی» به‌منزله شرایط زمینه‌ای نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تاب‌آوری اجتماعی و امید به آینده دانشجویان در نظر گرفته شده‌اند.

منابع اقتصادی

منابع اقتصادی یکی از عواملی است که می‌تواند تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان را تحت تأثیر قرار بدهد. شرایط نامناسب اقتصادی کنونی جامعه ایرانی یکی از دلایلی است که سبب ایجاد ناامیدی در دانشجویان شده است. آنان آینده مطلوبی از لحاظ اقتصادی برای خودشان متصور نیستند و امید چندانی به بهبود اوضاع اقتصادی ندارند. همین مسئله در کاهش تاب‌آوری اجتماعی آنان در برابر مسائل و مشکلات تأثیرگذار است. بنابراین می‌توان گفت که منابع اقتصادی در دسترسی افراد از یک طرف و وضعیت اقتصادی جامعه ایرانی از طرف دیگر در تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان تأثیرگذار است. علاوه بر این، منابع مالی در سطح ساختاری برای بهره‌مندی بهتر از شبکه‌های اجتماعی مجازی در راستای تقویت تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان یا وجود ندارد یا اینکه ضعیف است. دو مورد از افرادی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهار نظر نموده‌اند:

«بسیاری از دانشجویان با مشکلات مالی روبرو هستند، از جمله هزینه‌های تحصیل، هزینه‌های زندگی و نیاز به کسب درآمد برای تأمین هزینه‌های خود. این مشکلات مالی می‌تواند توانایی دانشجویان در مقابله با بحران‌ها را تحت تأثیر قرار دهند» (مصاحبه شماره ۷، پاراگراف ۲۵).

«بله درست است. شما هر کاری بخواهید انجام بدهید بودجه می‌خواهد. دانشگاه‌ها فکر نمی‌کنم من چنین بودجه‌ای داشته باشند. بخواهند اشتغال‌زایی کنند مثلاً توی شبکه‌های اجتماعی مجازی، خود قطعاً همین‌طوری نمی‌شود و بودجه می‌خواهد. چنین بودجه‌ای آیا فراهم می‌شود برای دانشگاه. اگر می‌شود قطعاً کار می‌شود کرد اگر هم نمی‌شود کار خاصی نمی‌تواند انجام بدهد دانشگاه» (مصاحبه شماره ۱۰، پاراگراف ۲).

ناکارآمدی سیاسی-اقتصادی

دومین عامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان ناکارآمدی سیاسی-اقتصادی است. ناکارآمدی سیاسی-اقتصادی دارای چهار مقوله خرد است که عبارت‌اند از: چالش‌های اقتصادی، دورنمای اقتصادی نامناسب، حکمرانی ناکارآمد و دورنمای سیاسی نامناسب. جامعه ایرانی در وضعیت موجود درگیر چالش‌های اقتصادی از جمله تورم، گرانی، بیکاری، کاهش ارزش پول ملی، تحریم‌های اقتصادی و ... است. این چالش‌ها سبب شده‌اند که دانشجویان تحمل و تاب‌آوری پایین‌تری در برابر مسائل و مشکلات احتمالی داشته باشند و با رخ دادن هر مسئله کوچکی تاب‌وتوان خودشان را از دست داده و اقدام به اعتراض نمایند. در واقع، چالش‌های اقتصادی، ظرفیت تاب‌آوری دانشجویان را کاهش داده است. تحصیل دانشجویان در دانشگاه‌ها عموماً در راستای بهبود وضعیت اقتصادی خودشان در آینده است. با این وجود، شاخص‌ها و شرایط اقتصادی کنونی نشانی از بهبود یافتن (حداقل در آینده نزدیک) ندارد. همین مسئله سبب شده است که دانشجویان دورنمای اقتصادی مطلوبی برای خودشان ترسیم نکنند و امید چندانی به بهبود شرایط اقتصادی نداشته باشند. کاهش امید نیز باعث می‌شود که دانشجویان از لحاظ ذهنی در شرایط نامناسبی قرار بگیرند و نتوانند در برابر مسائل و مشکلات تاب‌آوری داشته باشند. دورنمای سیاسی و اقتصادی نامناسب و شرایط نامطلوب اقتصادی محصول حکمرانی ناکارآمد هستند که تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان را تضعیف و سطح امید به آینده آنان را کاهش داده‌اند. بر مبنای کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان، حکمرانی ناکارآمد شامل این مؤلفه‌ها است: عدم پاسخگویی نظام سیاسی، فساد در سطوح مختلف اداری-سیاسی، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ناکارآمد، سیاست‌گذاری‌های آموزشی ناکارآمد و قانونگذاری‌های غیرمردمی. این عوامل شرایط و وضعیتی را در جامعه ایرانی ایجاد نموده است که در آن دانشجویان امید به آینده نامناسبی دارند و همین مسئله سبب کاهش تاب‌آوری اجتماعی آنان شده است. دو مورد از افرادی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهار نظر نموده‌اند:

«شرایط موجود حاکی از شکنندگی وضعیت امید به آینده در دانشجویان است، نبود اشتغال، تورم، نبود شرایط ازدواج جوانان، کم‌رنگ شدن احساس عدالت اجتماعی، پارتی‌بازی، عدم رعایت قوانین، تحمیل شرایط آقازادگی،

روند مهاجرت و ... نمونه‌هایی است که خیلی وقت پیش زنگ خطر را برای مسئولان کشور به صدا درآورده است» (مصاحبه شماره ۴، پاراگراف ۲۱).

«بستر که خب اصل موضوع حاکمیت قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری است. اینکه شما شرایط و تسهیلات فراهم کنید که جوان ایرانی به آینده امید داشته باشد و بتواند بماند بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی اتفاق بیفتد و در کنارش شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان ابزاری برای انتشار آن داده‌ها و اخبار و اطلاعات می‌تواند دست استفاده شود» (مصاحبه شماره ۸، پاراگراف ۳۱).

سیاست‌گذاری مجازی

سیاست‌گذاری‌های مرتبط با فضای مجازی در سال‌های اخیر در ایران با چالش‌هایی مواجه بوده است. فضای مجازی مهم‌ترین عامل دسترسی به اطلاعات و محتوا در عصر نوین است و محدودسازی آن می‌تواند سبب ناامیدی دانشجویان نسبت به آینده شود. این امر به‌ویژه برای دانشجویانی که فعالیت پژوهشی و آموزشی دارند چالش‌های زیادی را ایجاد می‌کند. فیلترینگ و محدودسازی مداوم فضای مجازی باعث گردیده است که اعتماد دانشجویان نسبت به نهادهای دولتی و سیاسی نیز تضعیف شود. آنان فیلترینگ را عموماً به دلیل عدم اعتماد نظام سیاسی به خودشان قلمداد می‌کنند و به همین دلیل تلاش می‌کنند آنان نیز اعتماد کمتری به نظام سیاسی داشته باشند. فضای مجازی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی نوعی جبر تکنولوژیک هستند و جوامع و کشورها نمی‌توانند با سیاست‌های سلبی با آن‌ها به مواجهه بپردازند. سیاست‌های سلبی نه تنها باعث کاهش استفاده از این فضا نمی‌شود، بلکه می‌تواند تبدیل به محرکی برای استفاده بیشتر جوانان به‌ویژه دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی مجازی گردد. البته این مسئله به معنای فقدان سیاست‌گذاری و رها کردن فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیست. در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای ایجاد شبکه‌های اجتماعی مجازی شده است که اقدامی مثبت است اما تبلیغات کلیشه‌ای برای ترغیب دانشجویان به استفاده از این شبکه‌ها در کنار تبلیغات سلبی شبکه‌های اجتماعی خارجی سبب شده است که تأثیرات مطلوب موردنظر را نداشته باشند. در کنار این مسئله، تضعیف اعتماد نهادی در میان دانشجویان سبب شده است که اعتماد به سیاست‌های دولت در زمینه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پایین باشد. دو نفر از کسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده‌اند:

«به نظر من صرف فیلتر و مقابله نتیجه عکس می‌دهد آن هم در روزگاری که از آن به عنوان عصر انفجار اطلاعات و دهکده جهانی یاد می‌شود. شبکه‌های اجتماعی هم می‌توانند نقش منفی در تاب‌آوری اجتماعی داشته باشند و هم مثبت بستگی به نوع راهبرد هر کشور در مواجهه با این تکنولوژی‌های نوین ارتباطی دارد» (مصاحبه شماره ۴، پاراگراف ۳۱).

«در مورد فضای مجازی بحث فیلترینگ به شدت آسیب‌زا است. چون علاوه بر عدم اعتمادسازی موجب ایجاد فاصله بین قشر جوان و سیاست‌گذاران می‌شود و باید بتوان راه‌های دیگری برای آن با مشورت متخصصین وضع نمود» (مصاحبه شماره ۵، پاراگراف ۴۷).

شرایط زمینه‌ای بررسی شده در این پژوهش نشان‌دهنده تأثیر عمیق ساختارهای کلان اقتصادی، سیاسی و سیاست‌گذاری بر تاب‌آوری اجتماعی و امید به آینده دانشجویان است. منابع اقتصادی محدود، ناکارآمدی حکمرانی و سیاست‌های سخت‌گیرانه در حوزه فضای مجازی، همگی به کاهش ظرفیت تطبیق‌پذیری و امیدواری این قشر منجر شده‌اند. در واقع، ضعف اقتصادی و سیاسی نه تنها وضعیت معیشتی دانشجویان را تحت تأثیر قرار داده، بلکه از طریق ایجاد احساس نابرابری و بی‌ثباتی، توانایی آن‌ها را برای مواجهه با مشکلات اجتماعی کاهش داده است. همچنین، سیاست‌های محدودکننده در فضای مجازی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای دسترسی به اطلاعات و شکل‌دهی به هویت اجتماعی، باعث ایجاد بی‌اعتمادی نهادی شده است. این عوامل در کنار یکدیگر نشان می‌دهند که کاهش تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان نه فقط

یک مسئله فردی، بلکه ریشه در ساختارهای کلان اجتماعی و حکمرانی دارد که نیازمند بازنگری و اصلاحات بنیادین است.

۴. راهبردها و استراتژی‌ها

راهبردها مبتنی بر عمل/تعامل‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده‌ی موردنظر هستند. راهبردها مقصود داشته، هدفمند بوده و به دلیلی صورت می‌گیرند. بر مبنای تحلیل داده‌های پژوهش حاضر، «شبکه‌سازی مجازی»، «توسعه اقتصادی-سیاسی»، «توسعه فرهنگی-اجتماعی» و «توسعه نظام تولید محتوا» راهبردهای تقویت تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان هستند.

شبکه‌سازی مجازی

شبکه‌سازی مجازی یکی از راهبردهایی است که متخصصان مورد بررسی به طور خاص برای دانشگاه در راستای بهره‌مندسازی دانشجویان از این فضا و تقویت امید به آینده در آنان پیشنهاد داده‌اند. از نظر آنان شبکه‌سازی مجازی دارای دو بعد اصلی است: شبکه‌سازی علمی و شبکه‌سازی شغلی. دانشگاه به عنوان مهم‌ترین نهاد مرتبط با دانشجویان، می‌تواند از طرق مختلف به شبکه‌سازی علمی در شبکه‌های اجتماعی مجازی بپردازد و از این فضای نوین برای تزریق امید به آینده در دانشجویان استفاده نماید. شبکه‌سازی و تیم‌سازی علمی در شبکه‌های اجتماعی مجازی، ایجاد صفحات مجازی و شبکه‌ای علمی مرتبط با رشته‌های تحصیلی و تشویق دانشجویان به عضویت و فعالیت در آن، ایجاد تعاملات مجازی بین شبکه‌های مختلف علمی و تقویت ارتباطات علمی دانشجویان در آن، و تشویق اساتید به عضویت در شبکه‌های علمی ایجاد شده توسط دانشگاه و تعامل منظم با دانشجویان از جمله راهبردهای خردی هستند که دانشگاه می‌تواند برای شبکه‌سازی علمی دانشجویان اتخاذ نماید. علاوه بر شبکه‌سازی علمی، از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توان به عنوان فضایی برای شبکه‌سازی شغلی نیز استفاده نمود. بر مبنای تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان، شبکه‌سازی شغلی دارای این مؤلفه‌ها است: توسعه شبکه‌های کاریابی اینترنتی در شبکه‌های اجتماعی مجازی، شبکه‌سازی فعالیت‌های اقتصادی دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی مجازی، توسعه کسب‌وکارهای اینترنتی دانشگاه و استفاده از دانشجویان در این زمینه، ایجاد تعامل با شبکه‌های شغلی جهانی و ایجاد زمینه برای عضویت دانشجویان در آن‌ها، و ارائه دروس پروژه محور برای کارآفرینی مجازی دانشجویان. دو نفر از متخصصانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده‌اند:

«ارتباطات و روابط مؤثر علمی و اقتصادی و پلتفرمی‌سازی ارتباطات و شبکه‌سازی و تیم‌سازی با مراکز علمی بین‌المللی و هم‌افزایی و گسترش افق دید، می‌تواند در افزایش امید به آینده دانشجویان و تاب‌آوری بیشتر آنان مؤثر باشد» (مصاحبه شماره ۱، پاراگراف ۳۲).

«به عنوان مثال بیایند بگویند این راهکار. حالا ما چند شبکه اجتماعی داریم یعنی این می‌تواند یک کار باشد. یعنی ما چند شبکه اجتماعی را در موضوعات مختلف مثلاً در موضوعات فرهنگی، در موضوعات اقتصادی، کسب‌وکار، علمی و ... راه بیندازیم در چند تا شبکه اجتماعی مثل اینستاگرام» (مصاحبه شماره ۹، پاراگراف ۱۸).

توسعه سیاسی-اقتصادی

راهبرد کلان دیگری که متخصصان و کارشناسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است به منظور افزایش امید به آینده و تاب‌آوری اجتماعی ارائه داده‌اند، توسعه سیاسی-اقتصادی است. در واقع، این افراد معتقدند که ریشه اصلی ناامیدی اجتماعی دانشجویان و تاب‌آوری اجتماعی پایین آن‌ها در بسیاری از موارد به توسعه‌نیافتگی سیاسی - اقتصادی جامعه ایرانی بازمی‌گردد. بنابراین برای حل این مسئله نیز باید توسعه سیاسی-اقتصادی اتفاق بیفتد. توسعه اقتصادی-سیاسی

شامل چندین مقوله خرد است که عبارت‌اند از: اشتغال‌زایی، کنترل تورم، بهبود رفاه اقتصادی، سیاست‌گذاری اقتصادی، صنعت‌گرایی نوین و کارآمدی سیاسی.

سه نفر از کسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده‌اند:

«دانشجویان قشر جوان و جویای کار هستند و در شرایطی که در فضای واقعی امکان اجرای پروژه و یا کار در واحدهای تولیدی به شدت پایین است، دانشجویان با استفاده از رشته تحصیلی به راحتی می‌توانند به عنوان یک کارآفرین، ایده‌های خلاقانه خود را عملی و در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یک فروشگاه عرضه و به عنوان یک رسانه صوتی و تصویری بسیار ارزان کالاهای خود را تبلیغ و با توجه به مزیت تعاملی و دوسویه بودن، نظر مشتریان را دریافت و متعاقب آن به اعمال تغییرات بر اساس نیاز و سلیقه مشتریان در کالاهای تولیدی خود دست بزنند» (مصاحبه شماره ۴، پاراگراف ۳۱).

«اول اینکه باید از کارشناسان و دانشمندان رشته‌های مختلف برای حل تورم و بیکاری دعوت کنیم. بعد نتایج ملموس این کار را عمومی کنیم تا نظر دانشجویان جلب بشه. بعد کسانی که از مواهب کاهش تورم و مدیریت آن بهره برده‌اند را دعوت کنیم در شبکه‌های اجتماعی در این مورد محتوای مثبت تولید کنند» (مصاحبه شماره ۶، پاراگراف ۳۸).

«اینکه شما شرایط و تسهیلات فراهم کنید که جوان ایرانی به آینده امید داشته باشد و بتواند بماند، راهکار بنیادی است. بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی باید اتفاق بیفتد و در کنارش شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان ابزاری برای انتشار آن داده‌ها و اخبار و اطلاعات می‌تواند دست استفاده شود» (مصاحبه شماره ۸، پاراگراف ۶۲).

توسعه فرهنگی-اجتماعی

سومین راهبرد کلان تقویت امید به آینده در دانشجویان، توسعه فرهنگی-اجتماعی است. این راهبرد نیز در سطح ساختاری و کلان عمل می‌کند. در واقع، نیاز به تغییرات و تحولات توسعه‌ای کلان برای تقویت تاب‌آوری اجتماعی وجود دارد. بر مبنای تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان، عدالت اجتماعی، حمایت اجتماعی، تعامل اجتماعی، بومی‌سازی رسانه‌ای و اعتمادسازی دوسویه عواملی هستند که توسعه فرهنگی-اجتماعی را شکل می‌دهند. کاهش نابرابری طبقاتی، دسترسی برابر به منابع مالی، کاهش تبعیض‌های اقتصادی، کاهش فاصله درآمدی دهک‌های بالا و پایین، دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، و تقویت شایسته‌سالاری از جمله راهبردهای مرتبط با تقویت عدالت اجتماعی هستند. تقویت عدالت در سطح واقعی می‌تواند به بزرگنمایی منفی شبکه‌ای بی‌عدالتی اجتماعی در ایران توسط گروه‌های معاند نظام جمهوری اسلامی ایران پایان بدهد. علاوه بر این، تقویت عدالت در سطح عینی و واقعی، می‌تواند سبب بازنمایی بیشتر واقعیت عدالت اجتماعی در جامعه ایرانی در شبکه‌های اجتماعی مجازی شود که همین مسئله نیز به افزایش تاب‌آوری اجتماعی در دانشجویان منجر می‌شود. یکی از کسانی که با وی مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده است:

«در صورتی که اجرای درست سیاست اصلاح اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بی‌شک مردم، جامعه ایرانی و دانشجویان به سوی منافع ملی گام درخواهند داشت و به حامیان این وضعیت که نویدبخش عدالت و مساوات است، تبدیل خواهند شد، کدام ملتی از پیشرفت، رفاه، توسعه، نوآوری، خلاقیت، عدالت، مساوات، رعایت حقوق شهروندی، زندگی با عزت و شرافت روی گردان است. اصل ایجاد احساس رضایت در آحاد ملت جدا از هر گرایش و اندیشه‌ای، تضمین‌کننده آینده آن کشور و موتور محرک رشد و تعالی اجتماعی است» (مصاحبه شماره ۳، پاراگراف ۴۷).

متخصصان و کارشناسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است معتقدند که تقویت حمایت اجتماعی می‌تواند به تقویت تاب‌آوری اجتماعی در دانشجویان منجر شود. حمایت اجتماعی شامل مؤلفه‌های زیر است: حمایت خانواده از دانشجویان، حمایت مسئولان دانشگاه از دانشجویان، حمایت اقتصادی دانشگاه از کسب‌وکارهای اینترنتی دانشجویان، و حمایت دانشگاه از مشارکت دانشجویان در انجمن‌ها و ... از طریق تشویق‌های مالی و غیرمالی. یکی از کسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده است:

«تشویق و حمایت از هنر و خلاقیت یک راهکار است. به عنوان یک نقطه قوت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، می‌توانید هنر و خلاقیت را تشویق کنید. می‌توانید از طریق اشتراک کارهای هنری، داستان‌های خلاقانه، پروژه‌های نوآورانه و هر چیزی که با هنر و خلاقیت مرتبط است، افراد را تحت تأثیر قرار دهید. این راهکارها به دانشجویان کمک می‌کنند تا امید به آینده خود را افزایش دهند و از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی با افراد مشابه خود در ارتباط باشند» (مصاحبه شماره ۵، پاراگراف ۴۴).

یکی دیگر از راهبردهای مرتبط با توسعه فرهنگی-اجتماعی به‌منظور تقویت تاب‌آوری اجتماعی در دانشجویان، بومی‌سازی رسانه‌ای است. در وضعیت موجود شبکه‌های اجتماعی مجازی و رسانه‌های آنلاین متعددی وجود دارند که عموماً خارج از کشور هدایت می‌شوند. مسئله مهم در مورد این شبکه‌ها و رسانه‌های مجازی این است که فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر آن‌ها در تعارض با نظام فرهنگی و ارزشی جامعه ایرانی قرار دارد. علاوه بر این، مسائل امنیتی نیز در این شبکه‌ها و رسانه‌ها ممکن است پیش بیاید. در مقابل، جامعه و به‌ویژه دانشجویان نیاز مبرم به چنین شبکه‌ها و رسانه‌هایی دارند. به همین دلیل، متخصصان و کارشناسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است معتقدند که لازم است شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های آنلاین بومی که مبتنی بر نظام فرهنگی-ارزشی جامعه ایرانی هستند توسعه پیدا کنند. شبکه‌های اجتماعی بومی در وضعیت فعلی کارآمدی زیادی نداشته و نتوانسته‌اند چندان با نمونه‌های خارجی رقابت کنند. پیش‌نیاز موفقیت این شبکه‌ها توسعه نظام اعتماد است که در بخش‌های بعد در مورد آن بحث خواهد شد. به‌هرحال، توسعه این شبکه‌ها و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی موردنیاز برای آن‌ها یکی از راهبردهای بنیادی برای توسعه فرهنگی-اجتماعی و تقویت امید به آینده در دانشجویان است. یکی از کسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده است:

«باید شبکه‌های داخلی را تقویت کنیم، اعتمادسازی کنیم و دانشجویان را ترغیب کنیم که از این‌ها استفاده کنند. باید این شبکه‌ها را هم پاسخگو کنیم و همین‌طور بودجه را به‌شون پرداخت نکنیم. سعی کنیم آن‌ها را مستقل کنیم تا اعتمادسازی شود. شبکه‌های اجتماعی مجازی برای فرهنگ ما آسیب‌زا هستند باید فکری به حال این شبکه‌های داخلی بکنیم و فیلترینگ و این مسائل چندان کارآمد نیست که اگر بود آن‌ان مسئله ما حل شده بود» (مصاحبه شماره ۱۰، پاراگراف ۳۸).

توسعه نظام تولید محتوا

متخصصان و کارشناسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است معتقدند که توسعه نظام تولید محتوا که ماهیتی امیدبخش داشته باشد در فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی ضروری است. در وضعیت فعلی نیز محتوای فراوانی به زبان فارسی در شبکه‌های اجتماعی مجازی منتشر می‌شود اما این محتوا عموماً جهت‌گیری امیدبخشی ندارد و در موارد زیادی در تضاد و تعارض با جامعه، فرهنگ و سیاست ایرانی قرار دارد. برای توسعه نظام تولید محتوا نیاز است که محتوای همسو با جامعه و فرهنگ ایرانی به صورت هدفمند تولید شود. این محتوا ماهیتی امیدبخش داشته باشد. در واقع، لازم است به صورت هدفمند و کاربردی وارد میدان قدرت و رقابت در شبکه‌های اجتماعی مجازی شد. تولید محتوای هدفمند، جذاب و امیدبخش ابزار مبارزه در این میدان است. برای تأثیرگذاری بیشتر نیاز است که محتوای تولید شده ماهیتی روایتی و داستان‌وار داشته و چندرسانه‌ای باشد. متخصصان و کارشناسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است معتقدند که تولید

محتوا در شبکه‌های اجتماعی مجازی شامل موارد زیر است: تولید محتوای همسو با جامعه و فرهنگ ایرانی، تولید محتوای امیدبخش، انتشار داستان‌های الهام‌بخش در شبکه‌های اجتماعی مجازی، معرفی منابع و ابزارهای مفید در شبکه‌های اجتماعی مجازی، و تولید محتوای چندسویه و خلاق. به‌رحال، تولید محتوا باید هم‌راستا با ابژه‌ها و نیازهای نسلی دانشجویان نیز باشد تا بتواند تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد. علاوه بر این، می‌توان از ظرفیت‌های خود دانشجویان نیز برای تولید و انتشار محتوا استفاده نمود. دو نفر از کسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهارنظر نموده‌اند:

«محتوایی که توانایی الهام‌بخشی، آموزش و راهنمایی دانشجویان را داشته باشد، بسیار مهم است. برای ایجاد این‌گونه محتوا، می‌توانید از تکنیک‌های مختلفی مانند ارائه راهنماها و مشاوره‌ها، اشتراک داستان‌های الهام‌بخش، ارائه نمونه‌های موفقیت و ارتقاء مهارت‌های موردنیاز استفاده کنید» (مصاحبه شماره ۷، پاراگراف ۶۱).

«با انتخاب هشتگ‌ها و برجسب‌های مناسب برای محتوایتان در شبکه‌های اجتماعی مجازی، می‌توانید به دانشجویان موردنظر خود برسید و محتوایتان را در دسترس آن‌ها قرار دهید. با استفاده از هشتگ‌ها و برجسب‌های مرتبط با تاب‌آوری، رشد شخصی و امید به آینده، احتمالاً بیشترین تأثیر را بر روی دانشجویان خواهید داشت» (مصاحبه شماره ۵، پاراگراف ۵۲).

راهبردهایی که به تقویت تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان اشاره دارند، عمدتاً بر تعاملات اجتماعی و فضای مجازی تأکید دارند. شبکه‌سازی مجازی، با استفاده از پلتفرم‌های آنلاین برای ایجاد ارتباطات علمی و شغلی، فرصتی برای تقویت امید به آینده فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، توسعه سیاسی-اقتصادی به‌ویژه در زمینه اشتغال و سیاست‌گذاری اقتصادی می‌تواند با بهبود وضعیت اقتصادی دانشجویان، امید آن‌ها را تقویت کند. در کنار این‌ها، توسعه فرهنگی-اجتماعی از طریق عدالت اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی به‌عنوان پایه‌ای برای رشد تاب‌آوری اجتماعی عمل می‌کند. درنهایت، توسعه نظام تولید محتوا با تولید محتوای امیدبخش و همسو با فرهنگ ایرانی، در فضای مجازی نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی و ایجاد آینده‌ای روشن برای دانشجویان دارد. این راهبردها با هدف کاهش نابرابری‌ها و افزایش فرصت‌های برابر، به بهبود شرایط اجتماعی و روانی دانشجویان کمک می‌کنند.

۵. پیامدها

پیامدها نتایج و حاصل عمل/تعامل‌ها یا راهبردها هستند. پیامدها را همواره نمی‌توان پیش‌بینی کرد و الزاماً همان‌هایی نیستند که افراد قصد آن را داشته‌اند. پیامدها ممکن است حوادث و اتفاقات باشند، شکل منفی به خود بگیرند، واقعی یا ضمنی باشند، و در حال یا آینده به وقوع بپیوندند. همچنین این امکان وجود دارد که آنچه در برهه‌ای از زمان پیامد به شمار می‌رود در زمانی دیگر به بخشی از شرایط و عوامل تبدیل شود. بر مبنای تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان، تحقق راهبردهای ذکر شده در بخش قبل موجب سازگاری اجتماعی و امید به آینده خواهد شد. بنابراین سازگاری اجتماعی و امید به آینده را می‌توان پیامدهای تقویت تاب‌آوری اجتماعی در دانشجویان قلمداد نمود.

سازگاری اجتماعی

سازگاری اجتماعی اولین پیامد تقویت تاب‌آوری اجتماعی است. عوامل مختلفی در میزان سازگاری دانشجویان با این شرایط ناگوار تأثیرگذار است که در بخش کمی پژوهش به صورت دقیق‌تر بررسی می‌شود. سرمایه اجتماعی، دینداری، وضعیت اقتصادی، امید به آینده، دورنمای اقتصادی و سیاسی، کارآمدی نظام حکمرانی و ... در این زمینه نقش دارند. هرچقدر افراد از لحاظ فردی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توانمندی ذهنی بیشتری داشته باشند، راحت‌تر می‌توانند خودشان را با شرایط نوین سازگار کنند. بر مبنای کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان، سازگاری شامل مؤلفه‌هایی مانند توانایی سازگاری با تغییرات، توانایی چاره‌اندیشی برای مسائل و مشکلات، توانایی همکاری با دیگران در زمان وقوع مشکلات، توانایی کنترل شرایط در زمان وقوع مشکلات، کنترل خشم و استرس در

مواجهه با مشکلات، ناامید نشدن در مواجهه با مشکلات، و تمرکز داشتن در مواجهه با مشکلات. به هر حال، سازگاری دومین مرحله‌ای است که در تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان اتفاق می‌افتد. دو نفر از کسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهار نظر نموده‌اند:

«تاب‌آوری اجتماعی بالا سبب می‌شود دانشجویان، ظرفیت تطبیق و سازگاری و توان مقابله با تنش و بحران‌های اجتماعی را در سطح بالاتری در خودشان نهادینه کنند. تفاهم و همیاری، انعطاف‌پذیری فرهنگی، همدلی، مهربانی و عطف و مهارت‌های ارتباطی مثبت نشانه‌هایی هستند که ما می‌توانیم طبق آن‌ها بگوییم دانشجو سازگاری بالاتری دارد» (مصاحبه شماره ۱، پاراگراف ۹).

«وجود منابع و سازوکارهای حمایتی از جمله خدمات روان‌شناختی، حمایت اجتماعی، فرصت‌ها و منابع مالی و فیزیکی که در مواقع بحرانی قابل دسترسی باشند، تاب‌آوری دانشجویان را بالا می‌برد و این مسئله سبب سازگاری و تطبیق بیشتر آنها می‌شود» (مصاحبه شماره ۷، پاراگراف ۹).

امید به آینده

افزایش امید به آینده دومین پیامد تقویت تاب‌آوری اجتماعی است. امید به آینده دو بعد دارد. امید به آینده فردی و امید به آینده جمعی. همان‌طور که ذکر گردید، پیامدها در روش نظریه زمینه‌ای می‌توانند در شرایط متفاوت دیگر، تبدیل به شرایط علی یا زمینه‌ای شوند. بدین ترتیب، امید به آینده در برخی شرایط ممکن است خود تبدیل به شرط علی برای تاب‌آوری اجتماعی گردد، اما در زمینه این پژوهش، پیامدی از تاب‌آوری اجتماعی بوده است. امید به آینده فردی، امیدواری دانشجویان به موفقیت و پیشرفت فردی خودشان در آینده را شامل می‌شود. بر مبنای تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان، امید به آینده فردی شامل این مفاهیم است: امید به رهایی از مشکلات با راهکارهای مختلف، نگرانی از شرایط موجود و تلاش برای تغییر آن، باور به وجود راه‌حل برای هر مشکلی، داشتن انرژی زیاد برای نیل به اهداف، باور به دستیابی به موفقیت‌های زیاد، و باور به دستیابی به اهداف برنامه‌ریزی شده. به هر حال، تاب‌آوری اجتماعی بالا می‌تواند سبب بهبود امید به آینده در دانشجویان گردد. یکی از کسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهار نظر نموده‌اند:

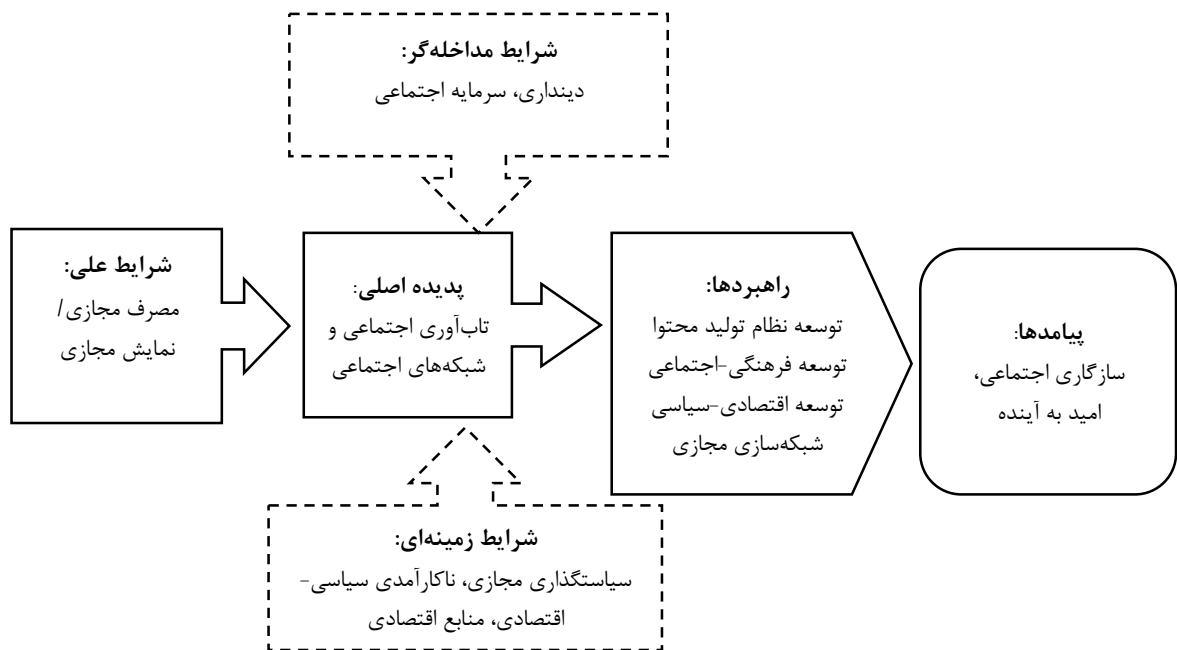
«تاب‌آوری اجتماعی بالا باعث می‌شود که دانشجو ذهنیتش قوی شود و آمادگی برای مشکلات در آینده داشته باشد. این دانشجو وقتی قدرت ذهنی و واقعیت‌افزایش پیدا کند به آینده خودش هم امیدوار می‌شود. مثلاً می‌داند اگر سختی‌هایی وجود دارد اما در آینده از لحاظ شغلی می‌تواند موفق باشد» (مصاحبه شماره ۱۱، پاراگراف ۹).

دومین بعد امید به آینده، به عنوان پدیده اصلی، امید به آینده جمعی است. برخلاف امید به آینده فردی، این بعد بر ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه در آینده تمرکز دارد. در واقع، امید به آینده جمعی، امیدواری دانشجویان نسبت به حل مسائل و مشکلات کشور در آینده است. بر مبنای کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان، امید به آینده جمعی شامل این مؤلفه‌ها است: باور به حل مشکلات اقتصادی در آینده، باور به حل مشکلات سیاسی در آینده، باور به حل مشکلات فرهنگی-اجتماعی در آینده، و باور به پیشرفت و توسعه کشور در آینده. یکی از کسانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است در این زمینه چنین اظهار نظر نموده‌اند:

«حمایت و پشتیبانی از سوی دولت، دانشگاه، خانواده، دوستان و افراد مهم در زندگی دانشجویی می‌تواند تاب‌آوری اجتماعی را تقویت کند. حس داشتن ارتباطات اجتماعی قوی و دسترسی به شبکه‌های حمایتی می‌تواند به دانشجویان احساس امنیت و امیدواری بیشتری بدهد. آنان در این وضعیت به آینده کشور و نظام‌های آن امیدوار می‌شوند» (مصاحبه شماره ۷، پاراگراف ۳۷).

در تبیین پیامدهای تقویت تاب‌آوری اجتماعی در دانشجویان، می‌توان گفت که این پیامدها به دو بخش اصلی سازگاری اجتماعی و امید به آینده تقسیم می‌شوند. تقویت تاب‌آوری اجتماعی موجب می‌شود که دانشجویان توانایی بیشتری در

مقابله با مشکلات اجتماعی و فردی پیدا کنند و از طریق مؤلفه‌هایی مانند همکاری، انعطاف‌پذیری فرهنگی، و کنترل استرس، به سازگاری اجتماعی بالاتری دست یابند. در این راستا، امید به آینده نیز به‌عنوان پیامدی از تاب‌آوری اجتماعی مطرح می‌شود؛ امید به آینده فردی و جمعی، به دانشجویان انگیزه می‌دهد تا با مشکلات مواجه شوند و به تغییرات مثبت در زندگی فردی و اجتماعی امیدوار باشند. این تغییرات مثبت نه تنها به بهبود وضعیت فردی آنان کمک می‌کند بلکه در سطح اجتماعی نیز موجب تقویت احساس امنیت و امید به آینده کشور و جامعه می‌شود.



شکل (۱). مدل پارادایمی

۶. مقوله مرکزی: امیدواری و تاب‌آوری شکننده در فضای شبکه‌ای

مقوله مرکزی پژوهش حاضر در بخش کیفی «امیدواری و تاب‌آوری شکننده در فضای شبکه‌ای» است. جامعه ایرانی امروزه درگیر مسائل اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی مختلفی است که بخشی از آن‌ها به ناکارآمدی نهادهای داخلی و بخشی به چالش‌آفرینی کشورهای غربی در جامعه ایرانی بازمی‌گردد. چنین وضعیتی در دانشگاه نیز وجود دارد. دانشجویان به دلیل شرایط سنی و حساسیت‌های آن، بیشتر از گروه‌های دیگر در معرض چالش‌هایی قرار می‌گیرند. این مسائل نیاز به تاب‌آوری اجتماعی بالایی دارند. در واقع، دانشجویان برای گذار از این شرایط لازم است که سطح تحمل، پذیرش و به‌طور کلی تاب‌آوری بالایی داشته باشند. عوامل مختلفی در این زمینه نقش دارند. مصرف فضای مجازی و نوع مصرف آن، شرایط اقتصادی و فرهنگی و سیاسی، طبقه اقتصادی دانشجویان، وضعیت روحی و روانی آنان و ... در این زمینه نقشی بنیادی دارند.

شبکه‌های اجتماعی مجازی با توسعه تعاملات و ارتباطات، کارآفرینی مجازی و شبکه‌سازی علمی-شغلی می‌تواند سبب تقویت تاب‌آوری اجتماعی در دانشجویان و امید به آینده بیشتر در آنان شود. اما از طرف دیگر با بزرگنمایی مسائل و چالش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی موجود، تاب‌آوری اجتماعی را تضعیف می‌کند و به تبع آن سبب ناامیدی دانشجویان می‌گردد. بنابراین، شبکه‌های اجتماعی مجازی هم می‌تواند عاملی کارآمد باشند و هم عاملی ناکارآمد. به نظر می‌رسد آنچه تعیین‌کننده کارآمدی یا ناکارآمدی شبکه‌های اجتماعی مجازی است، نوع استفاده

از آن‌ها است. در واقع، شبکه‌های اجتماعی مجازی ابزاری هستند که هم می‌توان از آن استفاده سودمند کرد هم از آن آسیب فراوان دید. از همین رو باید راهبردها و استراتژی‌های تقویت تاب‌آوری اجتماعی در آنان نیز خواهد شد، بر اساس این نقش دوگانه شبکه‌های اجتماعی مجازی برنامه‌ریزی شوند.

شبکه‌های اجتماعی مجازی بازنمایی‌کننده شرایط موجود جامعه ایرانی است. تاب‌آوری اجتماعی و امید به آینده نیز تحت تأثیر همین مسئله قرار دارد. بنابراین برای تقویت امید به آینده و تقویت تاب‌آوری اجتماعی در دانشجویان، لازم است که قبل از هر چیز شرایط موجود بهبود پیدا کند. توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عاملی تعیین‌کننده است. در صورتی که این اتفاق بیفتد امید به آینده در دانشجویان نیز تقویت خواهد شد. علاوه بر این، بازنمایی شرایط موجود در شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز بهبود پیدا کرده و کارآمدی آن برای امیدآفرینی در دانشجویان بیشتر خواهد شد. نهادهای مرتبط مانند دانشگاه نیز می‌توانند از طریق سیاست‌هایی مانند شبکه‌سازی علمی و شغلی در شبکه‌های اجتماعی مجازی، و تولید محتوای هدفمند به این مسئله کمک کنند. راهبرد بنیادی‌تر بومی‌سازی رسانه‌ای است. این راهبرد می‌تواند بازنمایی‌کننده واقعی‌تر شرایط جامعه ایرانی باشد و از ناامیدی کاذب که در نتیجه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی ممکن است در دانشجویان شکل بگیرد، جلوگیری نماید. اما لازمه تحقق بومی‌سازی رسانه‌ای، تقویت اعتماد نهادی در دانشجویان است که این مسئله نیز با توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند بهبود پیدا کند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان پرداخت. شبکه‌های اجتماعی مجازی تبدیل به یکی از مهم‌ترین ابزارهای نسل نوین شده است و به همین دلیل تأثیر زیادی بر ذهنیت و نظام معنایی جوانان و به‌ویژه دانشجویان می‌گذارد. در مقابل، جامعه ایرانی در سال‌های اخیر درگیر چالش‌ها و مشکلات مختلفی بوده است که نیاز به تاب‌آوری اجتماعی برای گذار از آن‌ها و جلوگیری از تبدیل شدن به بحران وجود داشته است. برای تحقق این امر نیاز به این وجود دارد که نظام ذهنی و معنایی دانشجویان در راستای نظام فرهنگی جامعه ایرانی باشد. در غیر این صورت تعلق هویتی آنان تضعیف شده و به همین دلیل تمایل چندانی برای گذار از این وضعیت (با تاب‌آوری بالا) ندارند. در مورد نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تاب‌آوری اجتماعی برای گذار از این شرایط دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. نتایج این پژوهش بیانگر این بود که برخی از متخصصان این نقش را مثبت ارزیابی می‌کنند، برخی دیگر بر نقش منفی شبکه‌های اجتماعی مجازی تأکید دارند و برخی دیگر نگاهی میانه به این تأثیرگذاری دارند. اما آنچه مشخص است این می‌باشد که شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش پررنگی در تاب‌آوری اجتماعی ایفا می‌کنند. نتایج این بخش از پژوهش در راستای برخی از مطالعات تجربی پیشین است. راجوناک و همکاران (۲۰۲۱) و بارکر و همکاران (۲۰۱۷) از جمله پژوهش‌هایی هستند که یافته‌های آن‌ها نشانگر نقش بنیادی رسانه‌های ارتباطی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی در تاب‌آوری اجتماعی است. نتایج این پژوهش‌ها نیز مانند نتایج پژوهش حاضر یک وضعیت دوگانه را در این زمینه نشان می‌دهد. برخی از جنبه‌های شبکه‌های اجتماعی می‌تواند نقش مثبتی در تاب‌آوری اجتماعی داشته باشد و بخشی دیگر از این شبکه‌ها نقش مثبت چندانی ندارند.

عوامل، شرایط و زمینه‌های مختلفی در میزان تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان با تمرکز بر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر می‌گذارند. برخی از این عوامل مانند ناکارآمدی سیاسی-اقتصادی و سیاست‌گذاری نامناسب فرهنگی و مجازی به سطح کلان نظام تصمیم‌گیری بازمی‌گردند و برخی دیگر مانند منابع اقتصادی، حمایت خانوادگی و ... به سطح نهادی بازمی‌گردد. با این وجود، به نظر می‌رسد که سیاستگذاری‌های نامناسب در حوزه‌های فرهنگی و رسانه‌ای نقش پررنگ‌تری

در این زمینه داشته باشد. شبکه‌های اجتماعی مجازی که بر اساس نظام فرهنگی غربی شکل گرفته‌اند، در موارد زیادی در تعارض با نظام فرهنگی جامعه ایرانی قرار دارد. در این مسئله که نظام تصمیم‌گیری لازم است در زمینه فضای مجازی سیاست‌گذاری کند، شکی وجود ندارد، اما مسئله این است که در وضعیت موجود بیشتر این سیاست‌گذاری‌ها ماهیت سلبی داشته است. با لحاظ سطح سرمایه اجتماعی پایین در جامعه ایرانی و اعتماد نهادی ضعیف جوانان، این سیاست‌گذاری‌ها چندان مورد استقبال قرار نگرفته است و شکاف بین نظام سیاسی و مردم را بیشتر کرده است؛ وضعیتی که برای گذار از چالش‌ها و مسائل پیش‌رو می‌تواند خطرناک باشد. این در حالی است که با سیاست‌گذاری ایجابی هم اعتماد نهادی بهبود می‌یابد و هم ظرفیت‌های بومی برای توسعه نظام فرهنگی ایرانی در فضای مجازی شکوفا می‌شود. در سال‌های اخیر شاهد شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی مجازی بوده‌ایم، اما همین سرمایه اجتماعی ضعیف سبب شده است که موفقیت‌چندانی به دست نیاورند. این نتایج به طور مستقیم در راستای رویکرد نظری اوبریست (۲۰۱۰) قرار دارد. وی معتقد است که منابع سرمایه‌ای و به طور خاص سرمایه اجتماعی مهم‌ترین عامل در تبیین تاب‌آوری اجتماعی هستند. همچنین، نوریس و همکاران (۲۰۰۸) سرمایه اجتماعی را به عنوان بعدی کلیدی در تاب‌آوری اجتماعی قلمداد می‌کنند. آنان شبکه‌سازی را عامل کلیدی سرمایه اجتماعی می‌دانند که در تبیین تاب‌آوری اجتماعی نقش بنیادی ایفا می‌کند. کولبورن و سیارا (۲۰۱۱) نیز سرمایه اجتماعی را یکی از دو شاخص اصلی تاب‌آوری اجتماعی قلمداد می‌کنند. آنان معتقدند که سرمایه اجتماعی مربوط به کیفیت روابط بین اعضای جامعه است. مزایای سرمایه اجتماعی هنگام روبرو شدن برای مصیبت، جنگ و سایر تغییرات ظاهر می‌شوند. نتایج مطالعات تجربی نیز مؤید نتایج این بخش از پژوهش است. ژانگ و سانگ (۲۰۲۳)، خای و همکاران (۲۰۲۲) از جمله پژوهش‌هایی هستند که نتایج آن‌ها نشان از تأثیرگذاری مثبت سرمایه اجتماعی بر تاب‌آوری اجتماعی است.

نتایج این پژوهش نشان داد که برای توسعه مواجهه ایجابی با فضای مجازیو شبکه‌ای در راستای تقویت تاب‌آوری اجتماعی، نگاه به ظرفیت‌های فرهنگی، دینی و بومی جامعه ایرانی می‌تواند در اولویت قرار داشته باشد؛ اما پیش شرط آن، دخیل کردن خود دانشجویان و جوانان در سطوح مختلف در نظام تصمیم‌گیری در مورد شبکه‌های اجتماعی مجازی است. سیاست‌های ایجابی مانند توسعه شبکه‌های اجتماعی شغلی و تحصیلی، تولید محتوای جذاب، خلاقانه و به‌روز در مورد موضوعات مختلف در فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی، گذار از نگاه سلبی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تلاش برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های آن در کنار توسعه واقع‌گرایانه شبکه‌های اجتماعی داخلی، تغییر سیاست‌های سلبی مانند فیلترینگ می‌توانند نقش‌آفرینی شبکه‌های اجتماعی مجازی در زمینه تاب‌آوری اجتماعی را مثبت‌تر نماید. لازمه و پیش‌شرط تحقق این امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در وضعیت موجود، مسائل و چالش‌های اقتصادی و اجتماعی سبب شده است که دانشجویان در برابر مشکلات و مسائل مختلف تاب‌آوری پایینی داشته باشند. با شکل‌گیری تلاش‌های منسجم و مداوم برای توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی احتمالاً تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان نیز به مرور بهتر خواهد شد. نتایج این بخش از پژوهش در راستای رویکرد نظری مایونگا (۲۰۰۷) در زمینه تاب‌آوری اجتماعی است. وی معتقد است که نظام‌های اقتصادی و سیاسی که پاسخگوی نیازها و اولویت‌های افراد و جوامع هستند، می‌توانند با فراهم کردن منابع و فرصت‌های رشد و توسعه به ایجاد تاب‌آوری کمک کنند. رهبری و حکمرانی مؤثر می‌تواند به ایجاد اعتماد، تقویت همکاری و ارتقای تصمیم‌گیری مؤثر کمک کند، که همگی برای ایجاد انعطاف‌پذیری مهم هستند (مایونگا، ۲۰۰۷: ۷-۵).

دیدگاه نظری نوریس و همکاران (۲۰۰۸) است. آنان معتقدند که منابع اقتصادی و سرمایه‌های نقشی بنیادی در تاب‌آوری اجتماعی دارد.

شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در دنیای معاصر، نقش مهمی در تاب‌آوری اجتماعی ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این شبکه‌ها تأثیرات چندگانه‌ای بر تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان دارند و در این زمینه دیدگاه‌های متعددی وجود دارد. برخی از پژوهش‌ها مانند مطالعات راجوناک و همکاران (۲۰۲۱) و بارکر و همکاران (۲۰۱۷) به این نتیجه رسیده‌اند که شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند نقش مثبت و اساسی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی داشته باشند. این نتایج با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است، زیرا شبکه‌های اجتماعی امکان ایجاد شبکه‌های حمایتی، تبادل اطلاعات و افزایش آگاهی را برای دانشجویان فراهم می‌کنند.

در مقابل، برخی پژوهش‌ها به نقش منفی شبکه‌های اجتماعی اشاره دارند. به‌عنوان مثال، ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و رسانه‌ای در جامعه ایرانی و تأثیرات منفی شبکه‌های اجتماعی خارجی بر هویت فرهنگی دانشجویان از جمله چالش‌هایی است که می‌تواند تعلق هویتی را کاهش داده و تاب‌آوری اجتماعی را تضعیف کند. این یافته‌ها با دیدگاه اوبریست (۲۰۱۰) و نوریس و همکاران (۲۰۰۸) قابل‌مقایسه است که بر اهمیت سرمایه اجتماعی در تاب‌آوری اجتماعی تأکید دارند. در پژوهش حاضر نیز بر این نکته تأکید شده است که ضعف سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی پایین، موجب کاهش تأثیرگذاری سیاست‌های فعلی در تقویت تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان شده است.

نکته‌ای که در این پژوهش برجسته شده، اهمیت سیاست‌گذاری ایجابی به جای سیاست‌های سلبی مانند فیلترینگ است. این دیدگاه با نظریات مایونگا (۲۰۰۷) همخوانی دارد که معتقد است نظام‌های اقتصادی و سیاسی پاسخگو می‌توانند با فراهم کردن منابع و فرصت‌های رشد، به افزایش تاب‌آوری اجتماعی کمک کنند. در این راستا، توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین ایجاد شبکه‌های اجتماعی بومی که مورد پذیرش دانشجویان قرار گیرد، می‌تواند به افزایش تاب‌آوری کمک کند.

در مجموع، مقایسه تطبیقی پژوهش حاضر با مطالعات پیشین نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند دو تأثیر مثبت و منفی بر تاب‌آوری اجتماعی داشته باشند. از یک‌سو، این شبکه‌ها امکان افزایش تعاملات اجتماعی و حمایت‌های گروهی را فراهم می‌کنند، و از سوی دیگر، در صورت سیاست‌گذاری نامناسب و عدم تقویت سرمایه اجتماعی، ممکن است تأثیرات منفی داشته باشند. بنابراین، تمرکز بر سیاست‌های ایجابی و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و بومی، می‌تواند نقشی کلیدی در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی دانشجویان ایفا کند.

منابع

استراوس، انسلم و کربین، جولیت (۱۳۹۱). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نی

درگاه پایش جامعه اطلاعاتی ایران (۱۴۰۰). توسعه فاوا در استان‌ها. تهران: سازمان فناوری اطلاعات ایران.

سلیمانی، مجید. (۱۴۰۳). *پیمایش ملی فرهنگ رسانه‌های اجتماعی در ایران*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

شهرابی‌فراهانی، مهدیه. (۱۴۰۱). نقش بازدید مذهبی مجازی بر تاب‌آوری در دوران کرونا. *گردشگری و اوقات فراغت*. ۶(۱۲): ۱۲۱-۱۰۷.

عبدلی پیران، فاطمه. (۱۴۰۰). رابطه میزان استفاده از فضای مجازی با معنای زندگی و تاب‌آوری اجتماعی جوانان ۳۵-۱۵ ساله. *روانشناسی و علوم تربیتی در هزاره سوم*. ۲(۱): ۸۳-۷۳.

غلامی، یونس؛ میرزایی، علی؛ شاهرخی ساردو، سمیه. (۱۴۰۲). ارزیابی اثرات بازیهای اندرویدی در تاب‌آوری اجتماعی شهرها نمونه موردی شهر اراک. *فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. ۱۳(۵۲): ۲۵۶-۲۴۱.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹). *فراروش؛ بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری*، تهران: جامعه‌شناسان محمدی‌تبار، مهدی. (۱۳۹۷). تحلیل نظری و تجربی تاب‌آوری اجتماعی (مورد مطالعه شهروندان بالاتر از ۲۰ سال شهر سرپل ذهاب). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. بروجرد: دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی.

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا). (۱۴۰۳). نتایج جدیدترین نظرسنجی ایسپا؛ میزان استفاده ایرانیان از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی. برگرفته از وبسایت <https://ispa.ir/Default/Details/fa/3472>

Barker, K., Lambert, J. H., Zobel, C. W., Tapia, A. H., Ramirez-Marquez, J. E., Albert, L., ... & Caragea, C. (2017). Defining resilience analytics for interdependent cyber-physical-social networks. *Sustainable and Resilient Infrastructure*, 2(2), 59-67.

Bauman, Z., & Lyon, D. (2013). *Liquid Surveillance: A Conversation*. New Jersey: John Wiley & Sons.

Campbell, A., Chanse, V., & Schindler, M. (2024). Developing a conceptual framework for characterizing and measuring social resilience in blue-green infrastructure (BGI). *Sustainability*, 16(9), 1-32.

Colburn, L., & Seara, T. (2011, September). Resilience, vulnerability, adaptive capacity, and social capital. In *2nd National Social Indicators Workshop, NOAA FISHERIES SERVICE*.

Creswell, J. W., & Miller, D. L. (2000). Determining Validity in Qualitative Research. *Theory into Practice*, 39(3): 124 -130.

Etzioni, A. E. O. (1999). Face-to-face and computer-mediated communities, a comparative analysis. *The information society*, 15(4), 241-248.

IDEA. (2024). Trend of Growth in Iranian Instagram Users. Available at <https://ideaagency.net/trend-of-growth-in-iranian-instagram-users/>

Karakoc, L. (2023). *Instagram Use and Identity Development among Adolescents* (Bachelor's thesis, University of Twente).

Maguire, B., & Hagan, P. (2007). Disasters and communities: Understanding social resilience. *Australian Journal of Emergency Management*, 22(2), 16-20.

Manovich, L. (2019). The aesthetic society: Instagram as a life form. *Data Publics, Routledge, forthcoming*, 2, 19.

Markivska, L. L., Siruk, N. M., Durmanenko, O. L., Redchuk, R. O., & Tarasyuk, L. M. (2020). Modern society challenges: Youth communication in Instagram. *International Journal of Criminology and Sociology*, 9, 3124-3133.

Mayunga, J. S. (2007). Understanding and applying the concept of community disaster resilience: a capital-based approach. *Summer academy for social vulnerability and resilience building*, 1(1), 1-16.

Mezgár, I., & Grabner-Kräuter, S. (2012). Role of privacy and trust in mobile business social networks. In *Handbook of Research on Business Social Networking: Organizational, Managerial, and Technological Dimensions* (pp. 287-313). IGI Global.

Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., Wyche, K. F., & Pfefferbaum, R. L. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster readiness. *American journal of community psychology*, 41, 127-150.

Obrist, B., Pfeiffer, C., & Henley, R. (2010). Multi- layered social resilience: A new approach in mitigation research. *Progress in development studies*, 10(4), 283-293.

Phillips, J., & Hay, A. H. (2018). Building resilience in virtual digital response networks: a case study. *Infrastructure Asset Management*, 6(2), 68-85.

Promberger, M., Huws, U., Dagdeviren, H., Meier, L., & Sowa, F. (2014). Patterns of resilience during socioeconomic crises among households in Europe (*RESCuE*): concept, objectives and work packages of an EU FP 7 project (No. 5/2014). IAB-Forschungsbericht.

Qamar, A. H. (2024). Social Resilience: A Critical Synopsis of Existing Definitions. *Corvinus Journal of Sociology and Social Policy*, 15(1), 129-147.

Quinn, T., Adger, W. N., Butler, C., & Walker-Springett, K. (2020). Community resilience and well-being: an exploration of relationality and belonging after disasters. *Annals of the American Association of Geographers*, 111(2), 577-590.

- Rachunok, B., Bennett, J., Flage, R., & Nateghi, R. (2021). A path forward for leveraging social media to improve the study of community resilience. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 59, 102236.
- Rochira, A., Marinaci, T., De Simone, E., Mannarini, T., Valentino, C., Ciavolino, E., ... & Pasca, P. (2023). The interplay of community resilience potential, trust in the future and social well-being. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 33(6), 1455-1473.
- Rose, A. Z. (2009). Economic resilience to disasters. Published Articles and papers. Pp75.
- State Counter Global States. (2024). Social Media Stats Islamic Republic Of Iran. Available at <https://gs.statcounter.com/social-media-stats/all/iran>
- Ulusow¹, A. H., & Abdi, Z. O. (2024). THE ROLE OF PSYCHOLOGICAL RESILIENCE IN SOMALI COMMUNITIES FACING CLIMATE CHANGE. *African Journal of Environment and Natural Science Research*. 7(4). 167-178.
- Velazco, D. J. M., Barreiro, L. M. A., Chica, T. K. M., Medranda, E. M. A., & Chávez, S. A. R. (2024). Resilience in vulnerable university groups: An analysis of social work intervention strategies from the perspective of social inclusion. *Образование и наука*, 26(1), 82-102.
- Vogel, P., Kurtz, C., Grotherr, C., & Böhmman, T. (2021). Fostering social resilience via online neighborhood social networks during the COVID-19 pandemic and beyond: Status quo, design dilemmas and research opportunities.
- Zhang, X. A., & Sung, Y. H. (2023). Communities going virtual: Examining the roles of online and offline social capital in pandemic perceived community resilience-building. *Mass Communication and Society*, 26(4), 539-565.